

تولید با ابزارهای غیر توری حمایت شود



صادق

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و پنجم | شماره ۱۳۳۷ | دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ | اول ذی‌الحجه ۱۴۴۷ | ۱۹ مه ۲۰۲۶ | ۸ صفحه | نسخه الکترونیکی

آرش فهیم



سرمقاله

فردوسی چگونه همسنگر انقلاب شد؟

دکتریدالله جوانی



نگاه

قدرت چهارم و پیش‌بینی شهید سلامی

راهبرد

شایعه

سلاح دنیای سیاست

جوان

نتایج دومین جشنواره

هادیان جهادگر فضای مجازی

روایت حقیقت ۲



ملاقات با اژدها

نگاهی به سفر ترامپ به چین در سایه ایران بر سر آمریکا

پرونده

تاریخ

ناگامی انگلیس و آمریکا

ناتوانی از درک عظمت خیابان!

کامران شیرازی

کارشناس مسائل سیاسی

«حضور مردم در خیابان» حقیقتی که معادلات بسیاری را برهم زد. دشمنان تصور می‌کردند با حمله نظامی و ترور رهبر انقلاب، ساختار اجتماعی ایران دچار فروپاشی خواهد شد. برخی افراد در داخل هم گویا همین تحلیل را داشتند، اما آنچه در خیابان‌ها رخ داد، دقیقاً خلاف این تصور بود و پیام روشن به دشمنان این بود که ملت ایران نه تسلیم می‌شود و نه در برابر تجاوز عقب‌نشینی می‌کند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این حضور خیابانی، کنار رفتن چهره‌هایی بود که سال‌ها خود را سخنگوی مردم معرفی می‌کردند؛ اما در روزهای سخت، اثری از آنان دیده نشد. کسانی که همواره از «مردم» سخن می‌گفتند، امروز نه در خیابان حضور دارند و نه صدایی از آنان شنیده می‌شود. با این حال، برخی چهره‌های سیاسی تلاش کردند این حضور عظیم را با برچسب‌هایی مانند «اقلیت رانتی» تحقیر کنند. موضوعی که نه با واقعیت میدانی سازگار است و نه با داده‌های عینی. چگونه ممکن است مردمی که در شرایط بمباران، خطر مرگ را به جان می‌خرند، صرفاً برای منفعت شخصی به خیابان آمده باشند؟ اگر مردمی که عزیزان‌شان را از دست داده‌اند و همچنان ایستاده‌اند، با چه منطقی می‌توانند به منفعت‌طلبی متهم شوند؟

واقعیت این است که آنچه مردم را به خیابان آورد، سود شخصی نبود؛ ایمان، تعهد، هویت ملی و باور دینی بود. بسیاری از تحلیلگران گرفتار در محاسبات منفعت‌محور، نمی‌توانند درک کنند که چرا انسان‌ها برای ارزش‌ها هزینه می‌دهند؛ اما تاریخ انقلاب اسلامی بارها نشان داده است که ملت ایران در لحظات حساس، بر اساس عقل ایمانی و حس مسئولیت تاریخی عمل می‌کند، نه صرفاً محاسبات اقتصادی و سیاسی.

این حضور خیابانی نه متعلق به یک اقلیت، بلکه تجلی بخش مهمی از جامعه ایران است؛ جامعه‌ای که هنوز آرمان‌های انقلاب را زنده می‌داند.

اشتباه بزرگ برخی جریان‌های سیاسی این است که مردم را فقط از پشت شبکه‌های اجتماعی و محافل محدود خود می‌بینند. اگر واقعاً به دنبال فهم جامعه هستند، باید به خیابان بیایند و این عظمت را از نزدیک مشاهده کنند. سیل جمعیتی که در این هفته‌ها در شهرهای گوناگون به میدان آمد، چیزی نبود که بتوان آن را انکار یا تعریف کرد.

امروز بیش از هر زمان دیگری، کشور به همدلی و انسجام نیاز دارد. زمان تسویه حساب‌های سیاسی و تحقیر مردم نیست. کسانی که به جای همراهی با ملت، در پی تخریب این حضور هستند، در حقیقت از فهم روح جامعه ایران عاجز مانده‌اند. بهتر آن است که همه جریان‌ها به جای تحقیر مردم، با آنان همراه شوند.

از «حکمت حماسه» تا «بعثت هنر» در نگاه رهبر شهید و رهبر جوان

فردوسی

چگونه همسنگر انقلاب شد؟



آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ

پیوند دو نسل؛ پیام رهبر جوان و افق‌های نوین

امروز و در دهه دوم از قرن پانزدهم هجری، همان نگاه بلندمدت و استراتژیک به زبان و ادب فارسی در پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، به مناسبت روز فردوسی تجلی یافته است. اگر رهبر شهید، فردوسی را از تخریب فیزیکی نجات دادند و جایگاه حکیمانه او را تبیین کردند، «رهبر جوان» در پیام اخیر خود، ادبیات و هنر را به عنوان «سلاح تمدنی» در نبرد امروز معرفی می‌کنند. ایشان در پیام ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۵، زبان فارسی را «قلب شناخت ورشته اتصال اندیشه و مرزهای هویتی ایرانیان» توصیف کرده و تأکید کردند، این زبان بزرگ‌ترین ظرفیت برای ترویج فرهنگ ایران اسلامی در جهان است.

دفاع مقدس سوم و تجسم شاهنامه

یکی از فرازهای درخشان پیام رهبر فرزانه انقلاب، تطبیق مفاهیم شاهنامه با واقعیت‌های معاصر است. ایشان با اشاره به «دفاع مقدس سوم»، خاطر نشان کردند که داستان‌های اسطوره‌ای فردوسی، نه افسانه، که واقعیت زندگی ملت ایران است. در این نگاه، ستیز با «ضحاک‌وشان» متجاوز، همان پیوند میان حماسه ملی و غیرت دینی است که اقوام ایرانی را در حفظ استقلال خویش همدل کرده است.

رهبر فرزانه انقلاب در این پیام، تکلیف سنگینی را بر دوش اهالی فرهنگ و هنر نهادند: «حماسه حضور و دفاع و پیروزی، تکلیف بزرگی را بر دوش اهالی فرهنگ و ادب و هنر می‌گذارد تا همچون فردوسی برخیزند و بعثت هنرمندان را در امتداد بعثت مردم رقم زنند؛ فکر و قلم و زبان را با هنر درآمیزند و روایت خیزش عظیم ملت را در تاریخ، ماندگار کنند.»

هنر به مثابه

پدافند زبانی و تمدنی

در عصر جنگ شناختی و تلاش برای یکسان‌سازی سبک زندگی به شیوه آمریکایی، رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای از مفهومی راهبردی با عنوان «پدافند زبانی و گفتمانی» سخن می‌گویند. ایشان معتقدند، ایستادگی در برابر «دیوسیرتان جهان»، تنها در میدان نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه باید در ساحت تربیت کودکان و نوجوانان و با ابتکار فعالان فرهنگی، از مرزهای زبانی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی صیانت کرد.

تداوم یک راه روشن

تطبیق نگاه رهبر شهید و رهبر جوان انقلاب نشان‌دهنده یک «خط مستمر فرهنگی» است. اگر دیروز حفظ مقبره فردوسی، حفظ یک بنای تاریخی بود، امروز بهره‌گیری از حکمت فردوسی، راهبردی برای پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی است. زبان فارسی در این دیدگاه، نه یک میراث موزه‌ای، بلکه موجودی زنده، پویا و قدرتمندترین است که می‌تواند در برابر همه‌جبه‌های جهانی، هویت ایرانی را حفظ و پیام انقلاب را به اقصى نقاط جهان برساند.

امروز «بعثت هنرمندان» که در پیام رهبری بر آن تأکید شده، به معنای بازگشت به ریشه‌های حکیمانه‌ای است که فردوسی هزار سال پیش در جان این خاک نشاناند؛ پیوندی میان هنر، حماسه و دین که ضامن ماندگاری ایران در پیچ‌های تاریخی است.

قدرت چهارم

و پیش‌بینی شهید سلامی

منظور سردار سلامی این بود که ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی تأثیرگذار و تعیین‌کننده در مقیاس جهانی، باید از جنگ با ابرقدرت مادی‌گرای آمریکا عبور کند.

این شهید والامقام، نتیجه این جنگ را، با اطمینان پیروزی ملت ایران و سپاه اسلام و سر برآوردن ایران به عنوان یک قدرت برتر به اذن الهی ارزیابی می‌کرد.

حال این جنگ در دو مرحله ۱۲ روزه و ۴۰ روزه اتفاق افتاد. آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها، به ویژه در جنگ ۴۰ روزه، از تمام توان خود برای تحقق اهداف راهبردی اعلامی شامل فروپاشی قدرت دفاعی ایران و براندازی جمهوری اسلامی و تجزیه کشورمان با هدف بلعیدن این سرزمین کهن استفاده کردند؛ اما برخلاف محاسبات ترامپ و نتانیاهو و تیم جنگ‌طلب آمریکایی، نتیجه این جنگ به اعتراف بسیاری از کارشناسان و متخصصان امور راهبردی در جهان، سر برآوردن ایران به منزله چهارمین مرکز قدرت جهان از دل این جنگ ارزیابی می‌شود.

ایران در این جنگ، نه تنها دچار فروپاشی نشد و مؤلفه‌های قدرتش را از دست نداد و ضعیف نشد، بلکه بر مؤلفه‌های قدرتش از جمله بعثت مردم از سوی خداوند متعال و تقویت اتحاد مقدس با اراده‌های پولادین، و تسلط بر تنگه هرمز به گونه‌ای افزوده شد، که اکنون دنیا باید به منزله چهارمین قدرت جهان به او نگاه کند.

از دیگر پیش‌بینی‌های شهید سلامی، نوع نگاه به جوانان ایران زمین در هنگامه جنگ و پدیدایی خطر برای کشور بود.

شهید سلامی در زمان اغتشاشات سال ۱۴۰۱، و در زمانی که دشمن روی جوانان ایرانی برای مقابله با جمهوری اسلامی با هدف براندازی حساب ویژه‌ای باز کرده بود، با صراحت در یکی از سخنرانی‌هایش اعلام کرد که با همین جوانان به جنگ با شما آمده و بر صورت‌تان سیلی می‌زنیم!

این پیش‌بینی‌های شهید سلامی و آنچه اتفاق افتاد؛ از بعثت مردم و به صحنه آمدن اقشار گوناگون جامعه و خصوصاً جوانان تا نتایج جنگ، همگی از ایمان قوی و معنویت عمیق و ژرف اندیشی مبتنی بر توحیدمحوری این شهید والامقام دلالت دارد.

هرچند در میانه جنگ و در دوره سکوت میدان قرار داریم و با وجود یک آتش‌بس ناپایدار، هر لحظه ممکن است با خطای محاسباتی دشمن، با جنگ دیگری مواجه شویم؛ اما همه کارشناسان معتقدند هر چند جنگ دیگر برای طرفین خسارت‌بار خواهد بود؛ اما آمریکا با حمله نظامی مجدد، هرگز قادر به تغییر معادله جنگ و جبران شکست‌ها و ناکامی‌هایش نخواهد بود.

آری، آنچه در این جنگ رخ نمود، همان چیزی است که در نگاه توحیدی شهید سلامی، قبل از جنگ مبتنی بر نگاه به آینده پس از جنگ تشریح و بر آن تأکید می‌کرد.

شهید سلامی با تمام وجود جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران را، جنگ حق و باطل، جنگ اسلام و کفر می‌دانست و به نصرت الهی در یاری رساندن به سپاه اسلام باور داشت که:

«وما النصر الا من عندالله العزيز الحكيم»

دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول



«سپهبد شهید حاج حسین سلامی»، اولین فرمانده سپاه بود که در جایگاه فرماندهی سپاه در همان لحظه آغاز جنگ ۱۲ روزه، در ۲۳ خرداد سال ۱۴۰۴ در دفتر کار خود به شهادت رسید.

شهید سلامی در نگاه تیزبین همه آنانی که از او شناختی داشتند، فردی برخوردار از مجموعه فضیلت‌های نشئت گرفته از تفکر و جهان‌بینی توحیدی بود.

دانشمندی فاضل، ادیبی سخنور، مأنوس با قرآن؛ از حافظ کل بودن تا زیست قرآنی از جمیع جهات، فرماندهی به سبک رهبری و نفوذ در قلوب، تا خادمی برای مردم و سربازی برای ولایت، از جمله فضیلت‌های این سردار شهید است.

شهید سلامی به معنای دقیق کلمه، مصداق «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» بود.

نقطه هدف در این نوشتار با مقدمات پیش گفته، اشاره کوتاه به نگاه توحیدی این شهید والامقام نسبت به جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران و نتایج، آثار و پیامدهای این جنگ است.

در جلسات هفتگی یا دو هفته یک بار که توفیق حضور در محضرشان حاصل می‌شد، اولاً به موقع و سر ساعت اعلامی در جلسه حاضر می‌شد و با تلاوت آیاتی از قرآن جلسه را شروع می‌کرد. ثانیاً در بیشتر جلسات، تحلیلی از شرایط و برآوردی از وضعیت رویارویی جبهه انقلاب اسلامی و جبهه استکبار جهانی در سطوح سه‌گانه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به همراه تدابیر و توصیه‌های راهبردی از منظر رسالت سپاه در پاسداری از انقلاب اسلامی ارائه می‌کرد.

روح حاکم بر تحلیل‌های شهید سلامی از محیط داخلی و خارجی از یک سو و ابلاغ تدابیر و توصیه‌های راهبردی به فرماندهان و مسئولان سپاه و بسیج از دیگر سو، برگرفته از همان نگاه توحیدی و آموزه‌های قرآنی و منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی بود. در خصوص جنگی که در ابتدایش به شهادت رسید، دو نکته زیر همواره در ذهن نگارنده مرور می‌شود و از یاد نمی‌رود:

در جلسات آخر منتهی به جنگ، ایشان در چند نوبت با استناد به داده‌های اطلاعاتی، تصریح داشتند که رویارویی نظامی اجتناب‌ناپذیر است. ایشان بر این باور بود که نظام سلطه، ایران اسلامی مستقل، قدرتمند، رویه پیشرفت و دارای آرمان تمدن‌سازی را، هرگز تحمل نخواهد کرد؛ بنابراین جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه کشورمان را قطعی می‌دانست.

شهید سلامی نتیجه جنگ تحمیلی و اجتناب‌ناپذیر آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران را، برخلاف محاسبات دشمنان که در رؤیای غلبه برق‌آسا بر کشورمان بودند، با نگاه توحیدی‌اش بر اساس سنت‌های الهی، به گونه‌ای توصیف می‌کرد که واقعاً به مخاطب کلامش، آرامشی توأم با اطمینان از آینده درخشان ایران اسلامی می‌داد.

شهید سلامی با بیان تجربه‌های تاریخی و تأکید بر سنن الهی، قریب با این مضمون می‌گفت: «جامعه اسلامی بر اساس سنت الهی برای بالا رفتن و قدرتمند شدن، باید از میان برق شمشیرها که با هم تلاقی می‌کنند؛ عبور نمایند.»

ترجمه آثار فاخر انقلابی

برشی از زندگینامه و خاطرات
رهبر شهید انقلاب اسلامی - ۵

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

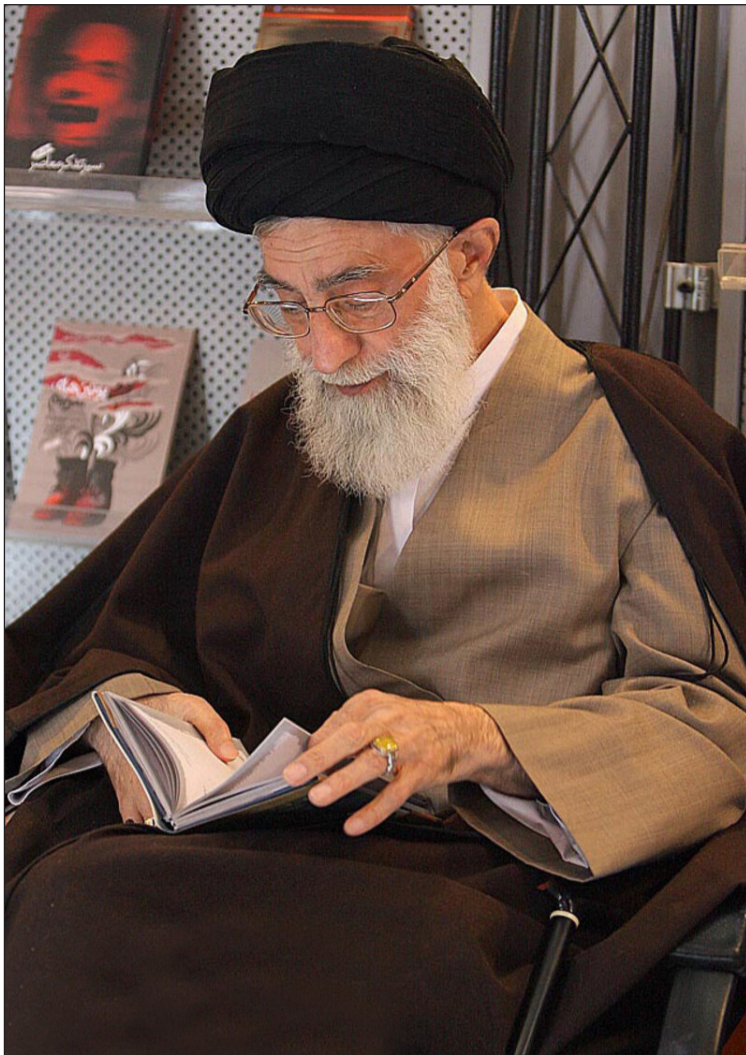
یکی از دل‌مشغولی‌های جدی آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای فعالیت در عرصه ترجمه کتب عربی به زبان فارسی بود. در سال ۱۳۴۷، ایشان کتابی با عنوان «مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان» ترجمه و تألیف کردند. اصل این کتاب «کفاح المسلمین فی تحریرالهند» نام دارد که «عبدالمعین النحر» از علمای وابسته به دانشگاه الازهر مصر آن را نوشته است. آنطور که مترجم در مقدمه کتاب آورده، این کتاب محصول ۲۶ ماه گردش نویسنده در هند و مطالعه منابع اطلاع، کتاب‌ها، کتابخانه‌ها، شهرها و مراکز مبارزه و... است. گفتنی است، به دلیل پژوهش و افزودنی‌های زیاد و نیز برخی تغییراتی که در متن صورت گرفت، ایشان ترجیح داد اثر را به صورت ترجمه محض منتشر نکند.

این کتاب نقش دین را در مبارزه با استعمار و در خدمت منافع ملی و عموم هندی‌ها بیان کرده و از سوی دیگر نقش استعمار را در جریان‌سازی‌های دینی و تفرقه‌افکنی مذهبی نشان می‌دهد. همچنین این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که مسلمانان توانستند چه کار مهمی را انجام دهند و کشورشان را از سیطره انگلستان برهانند. جالب است بدانید که بیش از نیمی از این کتاب تألیف است و خود ایشان در مقدمه‌کتاب نوشته‌اند: «اینجانب هر چند ابتدا فقط عزم ترجمه این کتاب را داشتم، ولی پس از شروع، چون

در برخی موارد، مطالب و یادداشت‌هایی متناسب با موضوع متن کتاب در اختیار بود و آوردن همه‌مانها در پاورقی، گذشته از اینکه رشته‌ش مطلب را در ذهن خواننده می‌گسیخت، وضع صفحه‌بندی کتاب را از لحاظ توازن متن و حاشیه، بی‌قواری و ناخوشایند می‌ساخت، ترجیح دادم که آن یادداشت‌ها را نیز در متن بگنجانم و فقط آنچه را که بهراستی حاشیه است، در پاورقی جای دهم. بدین قرار کتاب از صورت ترجمه محض خارج گشته و عنوان «ترجمه و تألیف» گرفت.»

هنگام انتشار این کتاب، شهید مطهری آن را فراوان ستود. مترجم خود نقل می‌کند: «کتاب خوبی و درآمد از کار. کتاب مفیدی بود. در ایران جای این کتاب خالی بود، زیرا در ایران راجع به هندوستان هر چه بحث می‌شد یک‌جانبه حرف‌های مؤلفان ضدمسلمان نقل می‌شد. حتی مؤلفی که خودش مسلمان هم بود، مثل ابوالکلام آزاد، قضاوتش به نفع مسلمان‌های هند نبود، بلکه به زیان مسلمان‌های هند بود. هر چه در ایران نوشته یا ترجمه می‌شد در این روال بود. این کتاب اول بار نقش مسلمان‌ها را برجسته کرد و خیلی در محافل اسلامی و روشنفکری اسلامی جا افتاد. مرحوم مطهری بارها این کتاب را در سخنرانی‌هایش معرفی کرده به مردم.»

تمرکز بر ترجمه و تألیف این کتاب موجب شد تا خامنه‌ای جوان اشراف کاملی به نظام سلطه و نقشه‌های آنان برای تسلط و غارت جهان داشته باشد، و این موضوع بر فهم او بر



مسائل سیاسی و چگونگی ورود او به زندگی و مبارزات سیاسی مؤثر باشد. در سال ۱۳۴۸، کتاب دیگری با عنوان «صلح امام حسن؛ پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ» منتشر می‌شود که ترجمه اثری از «شیخ راضی آل‌یاسین» با عنوان «صلح الحسن» از علمای حوزه‌ونجف است. کتاب با گفتاری نسبتاً مفصل از علامه عبدالحسن شرف‌الدین، رهبر شیعیان لبنان در نیمه دوم قرن گذشته و پیشگفتار کوتاه نویسنده آغاز می‌شود و پس از پرداختن کوتاه به زندگینامه و سیره و سیمای حضرت امام حسن (ع) به سراغ محور اصلی بحث، یعنی زندگی سیاسی پرفراز و نشیب ایشان می‌رود.

آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای با بیش از ۱۰۰ خویشتن درصدد بودند تا مردم مسلمان را با

نوع مبارزات انمه معصوم (ع) به مقتضیات زمان آشنا کنند؛ از این رو مبارزات امام حسن (ع) را پیش از قیام خونین حسینی فریضه‌ای الهی می‌دانستند و برای افشای طاغوت زمان، گسترش بینش امام حسن (ع) در مقابل معاویه را امری ضروری تشخیص داده بودند تا زمینه‌های قیام پیروزمندانه حسینی به وقوع پیوندد. چنانکه خود می‌فرماید: «اینک که با فراهم آمدن ترجمه این کتاب پر ارزش و نامی، جامع‌ترین و مستدل‌ترین کتاب درباره صلح امام حسن در اختیار فارسی‌زبانان قرار می‌گیرد، اینجانب یکی از آرزوهای دیرین خود را برآورده می‌یابم و جبهه سپاس و شکر بر آستان لطف و توفیق پروردگار می‌سایم.»

حافظه

غارت زیباترین سرزمین

نگاهی به حضور استعمارگران اروپایی در قاره آمریکا

از جمله سرزمین‌هایی که با سفر کلمب به قاره سرخ‌پوستان اشغال شد، جزیره «کوبا» بود. «کریستف کلمب»، ۲۷ اکتبر ۱۴۹۲، به این سرزمین واقع در آمریکای مرکزی پا گذاشت. نقل است که کلمب در آن هنگام گفته بود: «از سرزمین کوبا زیباتر چشم بشر هرگز ندیده است.»

کوبا پس از ورود کلمب به آن، بسیار زود به مستعمره اسپانیا و مقصد شمار زیادی از بردگان آفریقایی برای کار در مزارع شکر و قهوه تبدیل شد. بندر هاوانا نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی‌ای که دارد، به هتدریج به مرکز اصلی برای انتقال ثروت سایر مستعمرات اسپانیا تبدیل شد.

کوبا، نمونه برجسته دیگری از جامعه امحای سسکنه بومی قاره آمریکاست و در طول سه سده، نشان‌ناچیزی از نسل مردم بومی آن بر جای ماند. سکنه کنونی کوبا معجونی است از اعقاب اسپانیایی‌ها، فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها و بردگان آفریقایی و چینی. سال ۱۵۱۱ میلادی، اولین اقامتگاه‌های اسپانیایی‌ها در کوبا تأسیس شد. اسپانیا حدود ۱۰۰ هزار نفر از مردم بومی را به بردگی گرفت، آنها را مسیحی کرد و به

جست‌وجو واداشت. با وجود این، پس از گذشت یک قرن در عمل این افراد بومی از بین رفتند. از جمله دلایل این اتفاق، شیوع بیماری عفونی اوراسیایی بود که به دلیل عدم مقاومت بومی گسترش یافت. «برتولو مه.د. لاکاساس» کشیش جوانی که در سفر دوم همراه کلمب بود، از دفتر وقایع روزانه وی رونوشتی تهیه کرد و کتابی با عنوان «تاریخ هندیان» نوشت و در آن جامعه سرخ‌پوستان و آداب و رسوم و سنن آنان را شرح داد. وی در آن اثر درباره نحوه رفتار اسپانیایی‌ها با ساکنان کوبا چنین نوشت:

«نوزادان تازه متولد شده زود می‌مردند؛ چون مادران‌شان به دلیل کار سخت و جان فرسا و گرسنگی شدید برای تغذیه آنها شیری نداشتند. به همین خاطر طی دوران اقامت من در کوبا هفت هزار کودک ظرف سه ماه جان سپردند. حتی برخی مادران از شدت نومیدی بچه‌های خود را غرق کردند... به این صورت شوهران در معادن، زنان بر اثر کار شدید و بچه‌ها به خاطر کمبود شیر مردند... چشمان من شاهد چنان اعمال خلاف سرشت انسانی بود که هم اکنون که قلم در دست دارم تمام بدنم می‌لرزد.»

تاریخ

شماره ۱۳۳۷ | دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵

صداق

تقویم انقلاب

ناکامی انگلیس و آمریکا

رسوایی‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران - ۴

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



وقایع تاریخی معاصر ایران، به ویژه در سال ۱۳۲۹ نشان می‌دهد، آمریکایی‌ها مصمم بودند که مناطق نفت‌خیز ایران را به نوعی از جنگ انگلیسی‌ها خارج کنند و با کمک جریان جدیدی که در ایران به نام «ناسیونالیسم ایرانی» مطرح شده بود، به انحصار خودشان درآوردند اما ترفند آمریکایی‌ها با موانعی روبه‌رو شد که به شرح زیر است:

۱ در تاریخ ۲۶ تیرماه سال ۱۳۲۸، الحاقیه‌ای به قرارداد ۱۹۳۳ اضافه شد که به قرارداد «گس-گلشایان» معروف شد. افزون بر آن، کمسیون نفت به ریاست «دکتر محمد مصدق» در ۳۰ خرداد با هدف بررسی و اظهارنظر درباره این لایحه تشکیل شد. در ۲۰ مهر ماه، مجلس، دولت رزم‌آرا را به دلیل دفاع از قرارداد الحاقی استیضاح کرد؛ اما در ۲۷ مهر ماه به دلیل فشارهای سیاسی و حمایت نمایندگان طرفدار انگلیس، مجلس درباره استیضاح دولت رأی به سکوت داد.

۲ مرحوم آیت‌الله کاشانی نیز برای جلوگیری از تصویب قرارداد نفت در مجلس، اعلامیه‌ای خطاب به ملت ایران درباره ملی کردن نفت صادر کرد. پس از انتشار این اعلامیه، اجتماع بزرگی از مردم در مسجد شاه سابق (امام خمینی فعلی) برپا شد.

۳ رزم‌آرا، نخست‌وزیر وقت شاه در مجلس با گستاخی تمام و بی‌اعتنایی بر تصویب قرارداد الحاقی پافشاری کرد و در پاسخ به کمسیون نفت در ۱۲ اسفند ۱۳۲۹ گفت: «ایران یک آفتابه هم نمی‌تواند بسازد تا چه برسد به اداره صنعت عظیمی همچون صنعت نفت.»

۴ اتفاق مهم دیگری که در روز ۱۶ اسفند سال ۱۳۲۹ رخ داد، این بود که وقتی رزم‌آرا برای شرکت در مجلس ختم آیت‌الله فیض روانه مسجد شاه شده بود، به محض ورود هدف گلوله‌های آتشین «شهید خلیل طهماسبی» قرار می‌گیرد. آیت‌الله کاشانی در مصاحبه‌ای در این باره گفت: «این عمل به نفع ملت ایران بود و این گلوله و ضربه عالی‌ترین و مفیدترین ضربه‌ای بود که به پیکر استعمار و دشمنان ملت ایران وارد آمد.»

۵ گلوله شهید خلیل طهماسبی آنچنان کارآیی داشت که دیر هیچ‌یک از نمایندگان وابسته به انگلیس جرئت مقاومت در برابر ملی شدن صنعت نفت را نداشتند. در نهایت، روز ششم اردیبهشت ۱۳۳۰ «حسین علا» نخست‌وزیر وقت استعفا می‌دهد و مجلس به نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق ابراز تمایل می‌کند. در روز ۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ مصدق نخست‌وزیر شد و آیت‌الله کاشانی حمایت خود را از ایشان اعلام داشت.

ملاقات باژدها

نگاهی به سفر ترامپ به چین

سفر پرحاشیه ترامپ به پکن

رضا صارمی راد

کارشناس مسائل
بین‌الملل



برنامه‌ریزی و البته پس از چند بار به تعویق افتادن سفر دونالد ترامپ به چین، سرانجام رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا راهی این کشور شد. حدود ده سال از آخرین باری که رئیس‌جمهور ایالات متحده به این کشور سفر کرد، می‌گذرد. افزایش تنش‌های اقتصادی در سال میلادی گذشته موجب شده بود که بسیاری انتظار داشته باشند، ترامپ دست پر به واشنگتن بازگردد؛ اما درست مانند همان تصویر پر بازدید که نشان می‌داد جلوی هواپیمای رئیس‌جمهور، آمریکایی‌ها در حال دور ریختن هدایای چینی‌ها هستند، ترامپ دست خالی از پکن بازگشت.

البته ترامپ و کابینه او سعی کردند مانند همیشه این سفر را به یک موفقیت و دستاورد برای خود بدل کنند. ترامپ در روز جمعه گفت، او و شی جین‌پینگ، رهبر چین مشکلات متعددی را با هم حل کردند که افراد دیگر نمی‌توانستند آنها را حل کنند؛ البته هیچ اطلاع دقیقی ندادند که این مشکلات حل شده دقیقاً چه هستند. درباره مسئله تایوان، چینی‌ها به خوبی این مسئله را جا انداختند که این جزیره خط قرمز آنها در روابط آمریکا و چین است و اگر آمریکا بخواهد وضعیت را تغییر بدهد، تمامی مسائل دیگر می‌تواند به خطر بیفتد، به همین دلیل هم می‌توان به صورت قطعی گفت که آمریکا به هیچ عنوان نمی‌خواهد تایوان را به رسمیت بشناسد؛ البته این به معنای آن نیست که روابط و حمایت‌های خود را از این جزیره به حالت تعلیق در آورد. مسئله مهم امروز یک قرارداد ۱۴ میلیارد دلاری نظامی با تایوان است که ترامپ مجوز آن را سال گذشته صادر کرد. حالا دولت ترامپ بعد از سفر چین هنوز اعلام نکرده است که آیا می‌خواهد قرارداد را به جلو ببرد یا آن را لغو کند.

موضوع دیگر مباحث تجاری بوده است، چین در خلال جنگ تعرفه‌های سال پیش به خرید دانه سویا از آمریکا پایان داد که این مسئله بر کشاورزی آمریکا تأثیر مخربی گذاشت؛ اما مقامات دولت ترامپ اعلام داشتند که چین نظر خود را تغییر داده است و می‌خواهد خریدهای چند میلیارد دلاری را دوباره آغاز کند. این مورد هم از سوی دولت چین به صورت رسمی اعلام نشده است. تنها چیزی که در بحث تجاری، ترامپ آن را یک معامله فوق‌العاده نامیده است خرید حدود ۲۰۰ فروند هواپیمای شرکت بوئینگ از سوی چین است. او همین قرارداد را هم سعی کرد بزرگ کند و در مصاحبه خود گفت، این قرارداد ممکن است به حدود خرید ۷۵۰ فروند هم منجر شود که البته باز هم چینی‌ها آن را

نگاهی به ماموریت محمد باقر قالیباف در پرونده چین

عبور از تفاهم‌نامه‌های کاغذی

یعنی «ابتکارهای شخصی و توافقات شفاهی» فرسنگ‌ها فاصله دارد؛ از این رو لازم است قالیباف به دلیل موقعیت حقوقی ویژه در ساختار قدرت، از بدنه کارشناسی مجلس و دولت بیشترین بهره را ببرد و از «تکروری‌های نهادی» و «چندصدایی اجرایی» جلوگیری کند.

در لایه عملیاتی نیز، سایه سنگین وسواس‌های اداری داخلی و موانع ریز فنی بارها کلان‌پروژه‌های استراتژیک (نظیر راه‌آهن گرمسار-اینچه برون) را به بن‌بست کشانده است. هر چند دقت فنی گریزناپذیر است، اما نباید اجازه داد بوروکراسی کارشناسی، تصمیمات کلان حاکمیتی را به گروگان بگیرد. سرعت در اجرا، تنها زبان معتبر برای اعتمادسازی با چینی‌هاست که به شدت محافظه‌کار و کاسب‌کارانه عمل می‌کنند.

واقعیت این است که رابطه با چین دیگر یک پرونده صرفاً اقتصادی نیست، بلکه به بخشی از لایه دفاعی امنیت ملی و موازنه قدرت ایران تبدیل شده است؛ یعنی موفقیت یا شکست این رابطه، صرفاً بر تجارت و سرمایه‌گذاری اثر نمی‌گذارد، بلکه بر جایگاه منطقه‌ای و آینده امنیت ملی ایران هم تأثیر مستقیم دارد.

نخستین و بزرگ‌ترین دست‌انداز در این مسیر، «نگاه ابزاری» به شرق است که باید به فوریت اصلاح شود. برای سال‌ها، پکن در اتمسفر دیپلماسی ایرانی نه یک شریک استراتژیک، بلکه متغیری وابسته به برجام و کارت بازی برای تنظیم فرمان با غرب بود؛ واقعیتی که در دوره دوم ریاست‌جمهوری روحانی و در انتشار ناگهانی سند ۲۵ ساله برای تحریک واشنگتن به وضوح خود را نشان داد. اما چین امروز یک ابربازیگر مستقل است، نه یک مسکن موقت برای روزهای سخت تحریم. با توجه به اینکه قالیباف هم‌زمان در خط مقدم کانال‌های حساس دیپلماتیک برای مدیریت منازعات قرار دارد، تفکیک دقیق این دو پرونده حیاتی است تا پکن دوباره احساس نکند که رابطه با او، چرخ‌آپاس توافقی با غرب است. چین تفاوت میان «شریک استراتژیک» و «پناهنده تحریمی» را به خوبی می‌فهمد و به دومی باج نمی‌دهد.

این نکته را نباید فراموش کرد؛ تصویری که همیشه از طرف چینی در مذاکرات بیرون می‌آید بر پایه بوروکراسی متمرکز، کیف‌های پر از سند و مذاکرات روی جزئیات است؛ فضایی که با سنت دیرینه مدیریت ایرانی،

انتصاب «محمدباقر قالیباف» به منزله سکان‌دار جدید روابط ایران و چین، فراتر از یک تغییر بوروکراتیک، شلیک سیگنالی استراتژیک به پایتخت‌های غربی و شرقی است. این تصمیم که یادآور مأموریت «علی لاریجانی» در اواخر دهه ۹۰ برای شکستن یخ روابط با پکن است، این بار در اتمسفری کاملاً متفاوت متولد می‌شود. از همین منظر، مرور چند نکته کلیدی در این باره مفید خواهد بود:

۱ در وهله نخست باید توجه داشت که امروز تهران دیگر نه در موضع ضعف، بلکه به منزله یک قدرت تثبیت‌شده بین‌المللی که طوفان‌های ژئوپلیتیک بزرگی را پشت سر گذاشته، روی‌روی اژدهای زرد می‌نشیند؛ موازنه‌ای که واقعیت آن حتی در رفتار محاسباتی پکن در قبال واشنگتن (سفر ترامپ به چین) پس از چالش‌های خاورمیانه به وضوح دیده شد. بنابراین، روابط با چین را باید در چینی‌ترازی دید؛ یعنی باید نشان دهیم که از موضع یک قدرت جهانی به دنبال توسعه روابط راهبردی خود با چین هستیم. یکی از گام‌های مهم فعال شدن سازوکار پرداخت رسمی بین ایران و چین است.

سایه سنگین ایران بر سر ترامپ

گذاشته بود و پکن با اشراف کامل بر این ضعف ساختاری، قواعد بازی را دیکته کرد. این تحول نمادین، پیامدهای عمیقی بر محاسبات امنیتی قدرت‌های بزرگ دارد. مسکو و پکن با رصد دقیق فرسایش قدرت آمریکا در باتلاق جنگ ایران، آموخته‌اند که ابهت نظامی واشنگتن بیش از آنکه یک واقعیت سخت باشد، تصویر رسانه‌ای است. جسارت بی‌سابقه چین در تهدید نظامی آمریکا بر سر تایوان، مستقیماً نتیجه همین موازنه است. تهران اکنون فراتر از یک قدرت منطقه‌ای، در قامت یک بازیگر تأثیرگذار بر معادلات جهانی ظاهر شده است که نه تنها کنترل استراتژیک‌ترین آبراه انرژی جهان را در دست دارد، بلکه فرمول بازدارندگی در برابر ابرقدرت‌ها را بازنویسی کرده است؛ واقعیتی که ضرورت درک سطح جدیدی از بازیگری بین‌المللی را برای جامعه ایران ناگزیر می‌کند.

ساده، به شکل یک «عقب‌نشینی آشکار» جلوه کرده است. او که پیش از این و در حاشیه نشست پاییز ۱۴۰۴ گروه بیست، لحن خود را تا حدی تعدیل کرده بود، در سفر اخیرش به پکن به شکلی بی‌سابقه به ستایش و مجیزگویی از همتای چینی خود دست زد. حتی بازنشر نقل‌قولی از شی جین‌پینگ از زبان ترامپ مبنی بر «تضعیف جایگاه بین‌المللی آمریکا» (هر چند با تلاش فرساینده برای مقصر جلوه دادن جو بایدن) نشان‌دهنده پذیرش ضمنی این واقعیت از سوی کاخ سفید است. نقطه اوج این انفعال، سکوت مطلق ترامپ در برابر هشدارهای صریح و بی‌سابقه رئیس‌جمهور چین درباره احتمال درگیری نظامی بر سر پرونده تایوان بود؛ سکوتی معنادار که پرسش‌های جدی را در محافل تحلیلی ایجاد کرده است.

ریشه این دگرگونی رفتاری و موضع ضعف آمریکا در پکن را نباید در مناسبات دوجانبه، بلکه باید در جغرافیای سیاسی خاورمیانه و پیامدهای سنگین جنگ با ایران جست‌وجو کرد. واشنگتن با این تصور واهی که می‌تواند سناریویی مشابه ونزوئلا را در کوتاه‌مدت علیه تهران پیاده کند و با دست برتر و برگ برنده جنگ خاورمیانه پای میز مذاکره با چین بنشیند، وارد قمار بزرگی شد؛ اما زمین‌گیر شدن ماشین جنگی آمریکا و شکست استراتژیک در این نبرد، ضربه‌ای تاریخی به هژمون نظامی ایالات متحده وارد آورد. حضور ترامپ در پکن، در واقع نشان‌دهنده استیصال شخصی بود که اهرم‌های فشار خود را در تنگه هر مز جا

رسانه‌های بین‌المللی سال‌هاست که ویرینی از رفتارهای پیش‌بینی‌ناپذیر و ادبیات تهاجمی «دونالد ترامپ» را به تصویر می‌کشند؛ تصویری که در آن، رئیس‌جمهور ایالات متحده ابایی از تحقیر نزدیک‌ترین متحدان واشنگتن ندارد. از برخورد سرد و کنایه‌آمیز با «امانوئل مکر» در داووس و تمسخر صدر اعظم آلمان پس از مواضعش درباره تهران گرفته، تا ادبیات تند علیه «کی‌یر استارمر»، لفاظی‌های بی‌پروا خطاب به پاپ و نگاه ابزاری و توهین‌آمیز به حاکمان عرب، همگی نشان‌دهنده الگوی رفتاری ثابتی است که بر پایه قلدری سیاسی بنا شده است. با این حال، رمزگشایی از رفتار اخیر ترامپ در قبال چین، فرضیه رفتارهای کورکورانه او را باطل می‌کند و نشان می‌دهد، پشت این جنجال‌های رسانه‌ای، یک دگرگونی استراتژیک ناشی از استیصال پنهان شده است. چرخش لحن ترامپ در مواجهه با «شی جین‌پینگ» رئیس‌جمهور چین، فراتر از یک انعطاف دیپلماتیک



شطرنج با دست لِرزان

بازخوانی گره کور نفت ایران در دیپلماسی پکن

حسین نوروزی

روزنامه نگار



اهمیت سفر اخیر «ترامپ» به پکن، زمانی روشن می‌شود که تغییر جهت قطب‌نمای تهدیدهای واشنگتن را مرور کنیم. در سند امنیت ملی دوره اوباما، چین در انتهای فهرست تهدیدها (پس از ایران، کره شمالی، روسیه و جرایم فراملی) قرار داشت، اما در دکترین ترامپ، پکن رسماً به صدر فهرست ۲۶ گانه تهدیدهای منافع ملی آمریکا صعود کرده است.

♦ دو زاویه دید!

ناظران درباره خروجی این رویارویی دیپلماتیک به دو دسته تقسیم شده‌اند: تحلیلگران خوش‌بین با فلاش‌یک به اظهارات شش ماه پیش «شی جین‌پینگ» در بوسان کره جنوبی - که بر مسئولیت مشترک دو قدرت بزرگ برای حل چالش‌های جهانی تأکید کرده بود - معتقدند، طرفین به دنبال تصادم مستقیم نیستند. از نظر این طیف، دستاورد سفر می‌تواند آرامش بازارهای جهانی، فروکش کردن تنش‌های اقتصادی، مهار بحران انرژی و کاهش ریسک برخورد نظامی باشد. دیدگاه غالب در این گروه این است که ترامپ این بار نه برای مهار مطلق چین، بلکه برای مدیریت هم‌زمان اقتصاد داخلی آمریکا، بحران انرژی و مناقشه ایران به پکن رفته است.

در مقابل، بدبین‌ها معتقدند، گره‌های ساختاری دو کشور کورتر از آن است که با یک دیدار باز شود. آن‌ها به فهرست بلندی از چالش‌های فعال اشاره می‌کنند؛ از جمله پرونده تایوان، جنگ تجاری، انحصار عناصر کمیاب معدنی، رقابت شانه به شانه در هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین، زنجیره تأمین، رقابت صنعتی و البته موضع‌گیری‌ها در قبال تحریم‌های ایران و روسیه. این گروه یادآوری می‌کنند که ترامپ در نوامبر ۲۰۱۷ نیز پس از سفر به چین، پی‌ریزی جنگ تجاری سال ۲۰۱۸ را آغاز کرد؛ نبردی که با تعرفه روی فولاد و آلومینیوم و تحریم هوای شروع شد، با پانک چینی‌ها ادامه یافت و ترکش‌های آن هنوز فعال است.

♦ توافق شکننده در سایه سقوط آزاد مبادلات

افت بی‌سابقه و شدید حجم مرادات تجاری میان آمریکا و چین، اکنون به برگ برنده و موضوع اصلی مذاکرات پشت‌پرده میان مقامات ارشد این دو قطب اقتصادی تبدیل شده است. واشنگتن و پکن پس از کش‌وفوق‌س‌های فراوان بر سر تعرفه‌ها و تحریم‌های فناوری، موقتاً به یک آتش‌بس نانوشته رضایت داده‌اند؛ پکن چراغ سبز روانی برای صادرات نشان داده و واشنگتن نیز اجرای برخی محدودیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را عقب انداخته است. با این حال، ناظران اقتصادی و فعالان بازار به دلیل ماهیت ناپایدار این توافق‌های مقطعی، همچنان با بیم و امید به آینده می‌نگرند.

♦ کالبدشکافی ارقام؛ ریزش بی‌سابقه آمارها

بررسی داده‌های رسمی اداره سرشماری آمریکا عمق این عقب‌نشینی تجاری را به وضوح آشکار می‌کند. مبادلات دو جانبه که در سه ماهه نخست سال‌های گذشته مرز ۱۳۰ میلیارد دلار را رد می‌کرد و در دوران اوج خود به ۱۷۴ میلیارد دلار می‌رسید، در مدت مشابه امسال با ریزش سنگین ۳۴ درصدی به ۸۸ میلیارد دلار محدود شده است. بخش عمده این ریزش متوجه واردات آمریکا از چین است که با افت شدید ۴۱ درصدی، روی عدد ۶۱ میلیارد دلار ایستاده است؛ رقمی که از سال ۲۰۰۶ تاکنون بی‌سابقه بوده است. در مقابل، صادرات ایالات متحده به بازار چین نیز روند کاهشی داشته و به ۲۷ میلیارد دلار تنزل یافته است.

♦ سقوط ۴۰ درصدی تجارت پکن و واشنگتن

این ارقام نشان می‌دهند، کاخ سفید با جدیتی فزاینده، کاهش وابستگی و تغییر تراز تجاری را دنبال می‌کند. اگرچه دگرگونی در ساختار عمیق روابط اقتصادی دو کشور زمان‌بر است، کاهش نزدیک به ۴۰ درصدی ورود کالاها چینی به بازار آمریکا تحول کوچکی نیست. گزارش‌های رسانه‌های نشان می‌دهند، واشنگتن استراتژی خود را بازتعریف کرده است؛ آنها به جای تلاش برای جراحی بنیادی اقتصاد چین، اکنون به دنبال یک توافق مدیریتی هستند تا سلطه خود را بر فناوری‌های کلیدی و حساس حفظ کنند. گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال کاهش تعرفه بر ۳۰ میلیارد دلار از کالاها شامل محصولات کشاورزی و انرژی آمریکا و کالاها می‌مصرفی چین، نشان‌دهنده همین چرخش استراتژیک است.

♦ سایه سنگین خاک‌های کمیاب بر دیپلماسی

پشت پرده هیاهوی رسانه‌ای درباره تعرفه‌ها و تراشه‌های هوش مصنوعی در سفر ترامپ به چین، یک بحران خاموش، اما حیاتی به اسم سر نوشت عناصر و خاک‌های کمیاب جریان دارد؛ واشنگتن به شدت نگران است که پکن از انحصار صنعتی خود به منزله یک سلاح ژئوپلیتیکی استفاده کند. در ماه‌های گذشته، چین با محدود کردن صادرات مواد معدنی کلیدی، آهن‌رباهای صنعتی و پیش‌نیازهای صنایع نیمه‌هادی، ضربه مستقیمی به بدنه صنایع پیشرفته آمریکا وارد کرده است؛ اقدامی تلافی‌جویانه که در آغاز جنگ تجاری میان دو کشور ریشه دارد.

♦ فهرست مواد استراتژیک تحت تحریم پکن

زنجیره تأمین صنایع نظامی و فناوری پیشرفته غرب اکنون با



کمبود شدید این ۹ ماده کلیدی رویه‌روست:

دیسپروریزم؛ حیاتی برای تولید آهن‌رباهای مقاوم به حرارت، جنگنده‌ها و خودروهای برقی؛

تریوم؛ بخش جدایی‌ناپذیر صنایع دفاعی، نمایشگرها و سخت‌افزارهای الکترونیکی؛

ساماریوم؛ به کار رفته در ساخت موشک‌ها و تسلیحات نظامی؛ ایتربیم؛ عنصر کلیدی در موتورهای جت، فناوری لیزر و سامانه‌های راداری؛

گالیوم؛ ماده اولیه تراشه‌ها، زیرساخت‌های هوش مصنوعی و تجهیزات مخابراتی؛

ژرمانیوم؛ کاربرد در توسعه فیبر نوری و فناوری‌های مادون قرمز؛ گرافیت؛ قطعه حیاتی برای ساخت باتری خودروهای برقی؛

آنتیموان؛ مورد استفاده در تولید مهمات و صنایع دفاعی؛

تنگستن؛ پایه اصلی آلیاژهای فوق‌سخت و صنایع هوافضا.

♦ تلاش برای تمدید آتش‌بس در جنگ سرد معدنی

بر اساس گزارش‌های دریافتی از روترز، نمایندگان دو قدرت اقتصادی جهان در آستانه مذاکره برای تمدید یک آتش‌بس موقت در خصوص این محدودیت‌های صادراتی هستند؛ محدودیت‌هایی که چین از سال ۲۰۲۵ و در پاسخ به تحریم‌های فناوری آمریکا وضع کرد. پکن در حال حاضر نبض استخراج، فرآوری و تولید آهن‌رباهای صنعتی دنیا را در دست دارد و این تسلط، صنایع راهبردی آمریکا (از هوافضا و توربین‌های بادی گرفته تا باتیک و هوش مصنوعی) را به شدت تحت فشار قرار داده است. سقوط ۵۰ درصدی صادرات برخی عناصر سنگین و جهش چند دهه برابری قیمت‌ها، نشان می‌دهد که پکن دست برتر را در این معامله دارد.

♦ ماموریت غول‌های فناوری در پکن

گزارش‌های به دست آمده از همان روزها و از راهروهای دیپلماتیک نشان می‌دهد، اولویت اصلی واشنگتن در مذاکرات جاری با پکن، باز کردن گره کور صادرات خاک‌های کمیاب و مواد معدنی استراتژیک به آمریکاست. حضور پررنگ و بی‌سابقه رهبران تراز اول سلیکون‌ولی و صنایع سنگین در هیئت همراه ترامپ، دقیقاً گویای همین واقعیت است. از خودروهای برقی تسلا که به آهن‌رباهای خاص وابسته‌اند تا بخش دفاعی پنتاگون که برای تولید جنگنده‌ها و موشک‌ها به دیسپروریزم محتاج است، همگی به این زنجیره متصل هستند. حتی غول‌های هوش مصنوعی و تراشه‌سازی نیز بدون مواد فرآوری‌شده در چین عملاً فلج خواهند شد. به باور کارشناسان، پکن اکنون خاک‌های کمیاب را به همان سلاح ژئوپلیتیکی تبدیل کرده که واشنگتن بیشتر در قالب تحریم تراشه‌ها از آن استفاده می‌کرد.

♦ نبض انحصاری فرآوری خاک‌های کمیاب

بررسی آمارهای رسمی نشان می‌دهد، چین ۶۰ تا ۷۰ درصد از استخراج جهانی این عناصر را در اختیار دارد، اما برگ

پرداخت و تراکنش‌های جهانی؛

دینا پاول مک‌کورمیک از متا پلتفرمز؛ نماینده حوزه فناوری‌های ارتباطی و سیاست‌گذاری‌های کلان؛

جیکوب تاپسن از ایلومینا؛ نماینده صنایع بیوتکنولوژی و ژنتیک پیشرفته؛

جیم اندرسون از کوهرنت؛ متولی توسعه فناوری‌های صنعتی و سیستم‌های لیزری؛

چاک رابینز از سیسکو؛ نماینده بخش شبکه‌های ساختاری و زیرساخت‌های دیجیتال غرب.

توافق تریلیون دلاری؟!

در همان روزهای دیدار، ادعای اخیر برخی حساب‌های کاربری در شبکه X مبنی بر تلاش ترامپ برای جذب سرمایه‌گذاری ۱ تریلیون دلاری چین در بخش صنعتی آمریکا، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های دست‌دوم داشت، اما منابع معتبر و اصلی این خبر را تأیید نکردند. بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد، ابعاد این سفر بسیار پیچیده‌تر از یک توافق مالی صرف است.

♦ اهداف چندگانه واشنگتن در پکن

تحلیلگران خطوط اصلی این دیپلماسی را فراتر از شایعات اقتصادی می‌دانند؛ جایی که تمرکز اصلی بر مدیریت همزمان چندین بحران موازی قرار دارد. تلاش برای برقراری آتش‌بس در جنگ تجاری، کاهش کسری تراز بازرگانی آمریکا، ترغیب پکن به خرید هواپیماهای بوئینگ و افزایش واردات محصولات کشاورزی از ایالات متحده، تنها بخشی از دستور کار اقتصادی این سفر است. در حوزه فناوری و امنیت سایبری نیز رایزنی‌ها بر گشایش بازار چین به روی شرکت‌های فناوری آمریکایی، تعدیل محدودیت‌های مربوط به هوش مصنوعی، تراشه‌ها و دسترسی به عناصر و خاک‌های کمیاب، در کنار کنترل فناوری‌های حساس متمرکز است. مضاف بر این، ایجاد تقاهم دو جانبه در خصوص پرونده ایران و امنیت خطوط انرژی در تنگه هرمز از کلیدی‌ترین محورهای ژئوپلیتیکی این گفت‌وگوها به شمار می‌رود.

♦ رویکرد ترامپ؛ مدیریت بحران به جای مصالحه

شواهد نشان می‌دهد، واشنگتن در این مقطع به دنبال یک آشتی همه‌جانبه با پکن نیست. هدف واقعی، کنترل و هدایت بحران‌های موازی در حوزه‌های تجارت، فناوری و امنیت بین‌الملل است که جذب احتمالی بخشی از سرمایه‌های صنعتی چین نیز تنها تکه‌ای کوچک از این جورچین به شمار می‌رود.

♦ پازل انرژی و مهار بحران تنگه هرمز

یک خط تحلیلی در همان روزها از طریق رسانه‌ها بازتاب داده می‌شد که ارزیابی‌های بین‌المللی نشان می‌دهد مهار تنش در خلیج فارس و بازگشایی مسیرهای استراتژیک دریایی، به یکی از محورهای رایزنی میان کاخ سفید و پکن تبدیل شده است. واشنگتن تلاش می‌کند تا از نفوذ سیاسی و اقتصادی چین برای تحت فشار قرار دادن تهران به منظور بازگشایی هرچه سریع‌تر تنگه هرمز بهره‌برداری کند. به گونه‌ای که در همان روزها این ادعا مطرح شد که در صورت پیشرفت این گفت‌وگوها، ایالات متحده حتی تمایل دارد چین را به صدور یک بیانیه مشترک در محکومیت انسداد این آبراه بین‌المللی ترغیب کند. این موضوع در حالی بود که از نگاه ناظران، ترامپ به دنبال جلب همکاری پکن در زمینه‌هایی، چون محدودسازی انتقال فناوری‌های نظامی به ایران، کاهش خرید نفت و مدیریت مشترک شوک‌های وارده بر بازار جهانی انرژی است. گزارش‌های رسانه‌های غربی نظیر رویترز و گاردین نیز در این باره گفتند که هزینه‌های سنگین اقتصادی و سیاسی این جنگ، واشنگتن را به سمت جلب کمک از چین سوق داده است.

♦ پکن شریک نفتی خود را قربانی ترامپ نمی‌کند

در پاسخ به این شبهات می‌توان گفت، با وجود تمایل واشنگتن، این معامله با موانع ساختاری جدی رویه‌روست. تداوم جریان نفت ایران به سمت پالایشگاه‌های مستقل چینی و سازوکارهای موجود برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها، از جمله گرهای کور این فرآیند است. تحلیلگران حوزه انرژی معتقدند، از آنجا که سیاست‌های تحریمی آمریکا پیش از این گزینه نزن‌ونلا را از زنجیره تأمین چین حذف کرده، پکن به این سادگی ایران را که سهمی ۱۰ تا ۱۲ درصدی در تأمین نفتش دارد، قربانی خواسته‌های ترامپ نخواهد کرد. در کنار این معادلات پیچیده نفتی، موضوع تایوان نیز به عنوان یک متغیر کلیدی در این چانه‌زنی‌ها مطرح است؛ مسئله‌ای که مشخص نیست چین حاضر به معامله بر سر آن در قبال امتیازات دیگر خواهد بود یا خیر.

دیگران

تبلیغات سیاه

جیسون بُرک

خبرگزاری کاردین

اسناد تازه از طبقه‌بندی خارج شده دولت بریتانیا نشان می‌دهد، لندن طی جنگ سرد، شبکه‌ای گسترده از عملیات «تبلیغات سیاه» را در آفریقا، خاورمیانه و بخش‌هایی از آسیا هدایت می‌کرد؛ عملیاتی که هدف آن بی‌ثبات‌سازی رقباتی ژئوپلیتیکی، تشدید تنش‌های نژادی، تحریک خشونت و ترویج گفتمان ضدکمونیستی بود. یکی از مهم‌ترین ابعاد این پروژه، سوءاستفاده هدفمند از شکاف‌های مذهبی و هویتی در جهان اسلام بود. طراحان این عملیات تلاش می‌کردند با تحریک احساسات مذهبی مسلمانان علیه شوروی، زمینه تقویت جریان‌های محافظه‌کار دینی و ضدکمونیستی را فراهم کنند. در همین چارچوب، جزوات و بیانیه‌هایی جعلی به نام اخوان المسلمین منتشر می‌شد که شوروی را «ملحد» و دشمن اسلام معرفی می‌کرد. حتی سازمانی خیالی به نام «اتحادیه مؤمنان» ساخته شد تا روایت‌هایی رادیکال درباره علل شکست اعراب در جنگ ۱۹۶۷ منتشر کند و آن را نتیجه فاصله گرفتن مسلمانان از دین بدانند. نکته قابل توجه آن است که این عملیات برای واقعی جلوه دادن خود، گاه از ادبیات ضداسرائیلی نیز استفاده می‌کرد تا مخاطبان عرب به جعلی بودن اسناد مشکوک نشوند.

اسناد منتشر شده همچنین نشان می‌دهد، بریتانیا در آفریقا نیز از تحریک تنش‌های نژادی به منزله ابزار جنگ روانی بهره می‌برد. در چندین مورد، بیانیه‌هایی جعلی به نام نهادهای وابسته به شوروی منتشر شد که در آن آفریقایی‌ها «عقب‌مانده» و «فاقد بلوغ سیاسی» توصیف شده بودند. این اسناد عامدانه برای رسانه‌های آفریقایی ارسال می‌شد تا خشم افکار عمومی علیه شوروی برانگیخته شود.

اگر چه مقامات بریتانیایی همواره نقش خود را در عملیات‌های روانی جنگ سرد محدود توصیف می‌کردند، اما پژوهشگران معتقدند دامنه این عملیات بسیار گسترده‌تر و تهاجمی‌تر از آن چیزی بود که پیشتر تصور می‌شد. اهمیت این اسناد فقط در بازخوانی تاریخ جنگ سرد نیست، بلکه نشان می‌دهد چگونه دولت‌ها از رسانه، اطلاعات و روایت‌سازی برای مهندسی ادراک عمومی و هدایت تحولات سیاسی استفاده می‌کنند. تجربه «اداره پژوهش اطلاعاتی» نشان می‌دهد جنگ اطلاعاتی صرفاً به انتشار اخبار جعلی محدود نیست، بلکه می‌تواند با بهره‌گیری از هویت، مذهب، قومیت و شکاف‌های اجتماعی، ساختارهای سیاسی و امنیتی کشورها را هدف قرار دهد؛ الگویی که امروز نیز با ابزارهای مدرن و در مقیاسی گسترده‌تر در عرصه رقابت‌های ژئوپلیتیکی ادامه دارد.

واکاو پست پرده یک افشاگری علیه رئیس‌جمهور فرانسه و سیاست‌های ضد جنگ وی در غرب آسیا

گلشیفته، مکرون و جنگ اطلاعاتی!



نویید کمالی

دبیر گروه راهبرد

در روزگاری که جنگ رسانه‌ای و اطلاعاتی به یکی از اصلی‌ترین ابزارهای حفظ و بسط قدرت در نظام بین‌الملل تبدیل شده، بدون شک هر روایت رسانه‌ای پر مخاطب را باید با دقت و نگاه تحلیلی بررسی و موشکافی کرد؛ خاصه اگر در آن خبر رد پای سازمان‌های اطلاعاتی قابل مشاهده باشد! برای نمونه، خبری که این روزها صفحات

فرانسه در تقاطع تنش‌ها

زمان‌بندی انتشار این خبر، خود به اندازه محتوایش گویاست. در همین هفته‌های اخیر، فرانسه در یکی از حساس‌ترین موضوع‌گیری‌های دیپلماتیک چند سال اخیر خود قرار گرفت. وزیر خارجه این کشور، «ژان نونل بارو» با صراحت اعلام کرده است، پاریس با حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران مخالف است و چنین اقدامی را «مرحله جدیدی از تشدید تنش» می‌داند که می‌تواند آتش فروزی بی‌مرز در منطقه را به دنبال داشته باشد. او همچنین در گفت‌وگو با رسانه‌ها تأکید کرده است، نقش فرانسه در بحران اخیر خاورمیانه و جنگی که ترامپ و نتانیاهو به پا کردند، «محدود کردن عواقب» و «حمایت از تلاش‌های میانجی‌گرانه» است، نه همراهی با پروژه تقابل مستقیم با ایران. همچنین دولت فرانسه در اقدامی غافلگیرکننده با حضور دبیر کل ناتو و رئیس کمیسیون اروپا در نشست پاریس درباره تنگه هرمز و شکل‌گیری یک ائتلاف جهانی برای مقابله با اقدامات کشورمان در این تنگه مخالفت کرده و بر این موضع پافشاری داشته است که این نشست باید در سطح سران کشورها باقی بماند، نه در قالب نهادهای چندجانبه‌ای که تحت نفوذ واشنگتن هستند. گفتنی است، پاریس پیشتر نیز از صدور مجوز استفاده از پایگاه‌های خود در خاورمیانه برای حملات تهاجمی خودداری کرده بود. مجموعه این موضع‌گیری‌ها، تصویری از فرانسه‌ای رسم می‌کند که اصرار دارد منطق دیپلماسی مستقل اروپایی خود را در برابر فشارهای واشنگتن و تل‌آویو حفظ کند و دقیقاً همین استقلال است که آن را در تیررس روایت‌سازی‌های هدفمند قرار می‌دهد؛ به ویژه وقتی می‌دانیم ترامپ و نتانیاهو به شدت از رویکرد و موضع فرانسه ناراضی و عصبانی هستند.

منطق عملیات روانی

در چنین فضایی، انتشار ادعاهایی مجهول درباره زندگی خصوصی امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور

رسانه‌های اروپایی را بر کرده، مربوط به ادعای نویسنده‌ای فرانسوی به نام «فلوریان تاردیف»، خبرنگار نشریه «پاری‌مچ» است که در کتاب تازه خود با عنوان «یک زوج تقریباً کامل» از رابطه‌ای افلاطونی میان «امانوئل مکرون» رئیس‌جمهور فرانسه و «گلشیفته فراهانی» بازیگر ایرانی مقیم پاریس، پرده برداشته است. این کتاب مدعی است، ریشه درگیری شخصی میان مکرون و همسرش، بریژیت در جریان یک سفر رسمی به ویتنام - که تصاویر آن در رسانه‌ها مورد توجه قرار گرفت - برخلاف ادعای کاخ الیزه یک شوخی معمولی نبود، بلکه ناشی از کشف پیامی در تلفن

فرانسه را نمی‌توان جدا از این بستر ژئوپلیتیکی تفسیر کرد. تاریخ پر حجم جنگ اطلاعات نشان داده است، سرویس‌های اطلاعاتی در بزنگاه‌های حساس، اغلب با طراحی عملیات‌های روانی سیاه، هدایت روایت‌ها، افشاگری‌های هدفمند و بازی با افکار عمومی عمل می‌کنند و برخلاف تصور عامه فعالیت‌های‌شان به سرعت یا انتشار اسناد محرمانه و اجرای عملیات میدانی به سبک جیمز باند محدود نیست!

با نگاهی به تاریخ می‌بینیم که از «عملیات تأثیرگذاری» علیه سیاستمداران اروپایی در دهه ۱۹۷۰ تا کارزارهای اطلاعاتی دیجیتال در دوران معاصر، این الگو تکرار شده است و آن، اینکه یک روایت با ظاهر شخصی و خصوصی منتشر می‌شود، رسانه‌های جریان اصلی آن را بازنشر می‌دهند، و پیش از آنکه صحت یا کذب اثبات شود، اثر روان‌شناختی اش بر افکار عمومی و نخبگان سیاسی محقق شده است. نگارنده معتقد است در حالی که رژیم صهیونیستی از فاصله‌گیری فرانسه نسبت به پروژه تشدید تنش علیه کشورمان ناراضی است و تلاش می‌کند هزینه سیاسی این فاصله‌گیری را برای رهبران اروپایی افزایش دهد، نمی‌توان احتمال نقش‌آفرینی سازمان‌های اطلاعاتی این رژیم، به ویژه موساد را در طراحی یا تقویت این روایت نادیده گرفت. در منطق عملیات روانی، هدف لزوماً اثبات یک ادعا نیست؛ گاهی کافی است که تردید ایجاد شود، تصویر یک رهبر مخدوش شده و هزینه سیاسی یک موضع مستقل برای آن رهبر در داخل کشورش افزایش یابد.

اتصال روایی به ایران!

جالب‌تر آن است که یک ضلع این روایت، ذهن مخاطب را آگاهانه یا ناآگاهانه به سوی ایران هدایت می‌کند؛ کشوری که در ماه‌های اخیر در کانون فشارهای دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی بوده و حتی اکنون در وضعیت آتش‌سوزی شکننده با دشمنان متجاوز خود، یعنی ایالات متحده و رژیم

همراه رئیس‌جمهور فرانسه بوده است؛ پیامی که گویا بازیگر ایرانی مقیم فرانسه برای مکرون فرستاده بوده است. ظاهر ماجرا افشاگری جذاب از زندگی خصوصی یک سیاستمدار برجسته است؛ اما واقعیت آن، در لایه‌های عمیق‌تر جغرافیای سیاسی امروز جهان، چیزی بسیار فراتر از یک خبر زرد عامه‌پسند است. در واقع پرسش اصلی این نیست که چنین رابطه‌ای صحت داشته یا نه؛ بلکه پرسش مهم‌تر این است که چرا این روایت مجهول دقیقاً اکنون و در این برهه حساس از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی برجسته شده و چه معماری قدرتی پشت انتشار آن نهفته است؟!

صهیونیستی است. این نوع از «اتصال روایی» میان یک سیاستمدار غربی و یک چهره ایرانی، در دل یک بحران منطقه‌ای فعال، می‌تواند کارکردهای چندگانه‌ای داشته باشد. نخست، ایجاد شکاف در اردوگاه غرب از طریق بدنام‌سازی رهبرانی که از خط تقابل فاصله گرفته‌اند. دوم، ارسال پیام هشدار به دیگر رهبران اروپایی که احتمالاً در پی اتخاذ مواضع مشابه هستند. سوم، به هم ریختن فضای ذهنی نخبگان سیاسی در آستانه تصمیم‌گیری‌های مهم، از جمله نشست‌های مربوط به تنگه هرمز و چهارم، انتقال پیامی ضمنی به افکار عمومی فرانسه مبنی بر اینکه رئیس‌جمهورشان در رابطه پنهانی با یک بازیگر ایرانی قرار داشته؛ روایتی که در فضای پرتنش امروز اروپا، بار معنایی سنگینی دارد. در این روایت، نه «رابطه» اصل است و نه «حقیقت»؛ اصل، همان اثر روان‌شناختی چندلایه‌ای است که در ذهن مخاطبان به شکل‌های متفاوت باقی می‌ماند.

تحلیل بدون قطعیت

البته باید میان تحلیل و قطعیت تفاوت قائل شد و از دام ساده‌انگاری در هر دو سوی آن پرهیز کرد. هیچ‌کس در این مقطع نمی‌تواند با اطمینان درباره منشأ واقعی این روایت یا ابعاد و اهداف پشت‌پرده آن سخن بگوید. ممکن است کتاب مورد نظر صرفاً یک اثر روزنامه‌نگاری تحقیقی باشد که در فضای رسانه‌ای بسیار پر التهاب امروز، بازتاب گسترده‌ای یافته است؛ بازتابی که خود نویسنده نیز انتظارش را نداشته است. همچنین باید توجه داشت که رسانه‌های جریان اصلی، اغلب چنین محتوایی را نه لزوماً از سر هدف‌گذاری آگاهانه، بلکه به دلیل جذابیت خبری و منطق تجاری رسانه بازنشر می‌دهند؛ اما آنچه در هر صورت روشن است، این واقعیت انکارناپذیر است که در عصر جنگ شناختی، هیچ روایت بزرگی در خلأ و بدون زمان‌بندی مشخص شکل نمی‌گیرد. بهره‌برداری از یک روایت، حتی اگر در آغاز بی‌هدف منتشر شده باشد، می‌تواند از جانب بازیگران ذی‌نفع هدایت



و تقویت شود. هر افشاگری، هر شایعه و هر خبر پر مخاطبی می‌تواند بخشی از یک معماری پیچیده‌تر قدرت باشد؛ معماری‌ای که در آن، زمان‌بندی اولین اولویت و حقیقت‌گاه آخرین اولویت در نظر گرفته می‌شود!

توصیه راهبردی

با توجه به انعکاس گسترده این ماجرا، یک توصیه راهبردی برای سیاست‌گذاران، پژوهشگران و اصحاب رسانه الزامی به نظر می‌رسد و آن، اینکه پیش از آنکه هر خبر بزرگی را بازنشر دهید یا تحلیل کنید، باید از خود پرسید که چرا این خبر در این لحظه خاص به تیر یک رسانه‌های جریان اصلی تبدیل شده است. چه کسی از بازتاب گسترده این روایت بیشترین نفع را می‌برد؟ اهداف طراحان و ناشران چنین خبری چیست و چه پیامدهایی در نظر دارند؟ آیا بازنشر آن، ناخواسته در خدمت یک عملیات ادراکی بزرگ‌تر قرار می‌گیرد؟

این پرسش‌ها نه از سر توهم توطنه، بلکه از سر یک ضرورت تحلیلی است که عصر جنگ اطلاعاتی جدید آن را بر همه بازیگران سیاسی و رسانه‌ای تحمیل کرده است. آموزش سواد رسانه‌ای در سطح نخبگان و تصمیم‌سازان، سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های تحلیل اطلاعات راهبردی، و نهادینه‌سازی فرهنگ کمی صبر و دقت پیش از بازنشر هر خبر از جمله اقداماتی است که آسیب‌پذیری جوامع در برابر عملیات‌های شناختی را کاهش می‌دهد.

در پایان باید بر این نکته تأکید کرد که این ماجرا یادآور یک اصل بنیادین در الگوهای نوین تحلیل امنیتی است و آن، اینکه در عصر جنگ شناختی، هوشمندترین سلاح آن نیست که کسی را بکشد؛ بلکه سلاحی است که ذهن‌ها را با گونه‌های شکل دهد که صاحبان‌شان خود به نتیجه‌ای برسند که طراح روایت از ابتدا به دنبال آن بوده است. آگاهی از این واقعیت، نخستین گام در برابر جنگ اطلاعاتی است!

شایعه سلاح دنیای سیاست

روانی بدل ششوند. منطق تجاری رسانه که بر جذابیت خبری و رقابت برای جلب مخاطب استوار است، اغلب با ضرورت تأمل و تحقیق کافی پیش از انتشار در تعارض قرار می‌گیرد. یک ادعای جنجالی درباره یک رهبر سیاسی، حتی اگر هیچ مستند محکمی پشتوانه آن نباشد، به سرعت از مرزهای یک نشریه فراتر می‌رود و در شبکه‌های اجتماعی همچون آتش در نيزار می‌پيچد. در این فرآیند، «اثر تکرار» نقشی محوری ایفا می‌کند؛ پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی نشان داده‌اند که تکرار یک ادعا، حتی در قالب تکذیب آن، به تثبیتش در حافظه جمعی یاری می‌رساند.

سیاست خارجی در تله روایت‌ها

پیامدهای این فرآیند بر سیاست خارجی کشورها می‌تواند عمیق و پایدار باشد. رهبر سیاسی‌ای که هدف یک کمپین شایعه‌پراکنی قرار گرفته، ناگزیر بخشی از انرژی دیپلماتیک و سیاسی خود را صرف مدیریت بحران رسانه‌ای می‌کند و این انحراف توجه، درست در لحظاتی که

هدفی سیاسی و اقتصادی داشته و وی از طریق آن و تحریک توده‌ها توانست منافع بنگاه‌های اقتصادی آمریکا را تأمین کند و تاریخ جهان را هم تغییر دهد.

معماری یک شایعه مؤثر

شایعه‌های سیاسی مؤثر بندرت از خلأ سر برمی‌آورند. این نوع شایعات معمولاً بر بستری از واقعیت‌های نیمه‌درست، ابهام‌های موجود و نگرانی‌های از پیش ایجاد شده در افکار عمومی بنا می‌شوند. یک شایعه کارآمد سه ویژگی اساسی دارد: باورپذیری اولیه‌ای که مانع رد فوری آن شود، زمان‌بندی دقیقی که آن را با یک بحران یا تصمیم مهم همزمان کند، و قابلیت بازنشری که رسانه‌های جریان اصلی را ناخواسته به ترویج‌دهنده آن بدل کند. امروزه، شبکه‌های اجتماعی، زمان واکنش را از روزها به ثانیه‌ها تقلیل داده‌اند.

رسانه در خدمت عملیات روانی

رسانه‌های جریان اصلی، حتی معتبرترین‌های‌شان، می‌توانند ناخواسته به بازوی اجرایی یک عملیات

فاطمه حسینی

کارشناس ارشد رسانه



سال ۱۸۹۸ بود. روزنامه‌نگاران آمریکایی، به‌ویژه آنان که در خدمت «ویلیام رندولف هرست»، غول رسانه‌ای آن روزگار قلم می‌زدند، داستان‌هایی داغ و دلهره‌آوری از اقدامات نیروهای اسپانیایی در کوبا منتشر می‌کردند؛ داستان‌هایی که بخش بزرگی از آنها یا اغراق‌آمیز بود یا یکسره ساختگی. در چنین وضعیتی، وقتی ناو جنگی آمریکایی‌ها در بندر هاوانا منفجر شد، هرست بی‌درنگ و بدون هیچ مدرکی، انگشت اتهام را به سوی اسپانیا نشانه رفت و موج رسانه‌ای برخاسته از این روایت چنان افکار عمومی آمریکا را برانگیخت که کنگره در برابر فشار افکار عمومی تسلیم شد و مجوز جنگ با اسپانیا در آمریکای لاتین را صادر کرد. این رویداد موجب افول امپراتوری اسپانیا و تسلط آمریکایی‌ها بر منابع و ثروت‌های مناطق تحت استعمار قوای اسپانیایی شد! بعدها مشخص شد که شایعه ساخته و پرداخته هرست تنها

تصمیم‌گیری‌های حساس بر سر میز است، می‌تواند محاسبات را دگرگون و مواضع را متزلزل کند. افزون بر این، شایعه‌های هدفمند ممکن است شکاف میان متحدان را عمیق‌تر کنند، اعتماد عمومی به رهبران را فرسایش دهند و فضای ذهنی نخبگان سیاسی را در آستانه تحولات سیاسی مهم مه‌آلود کنند.

سواد رسانه‌ای به مثابه یک سپر

تجربه‌های تاریخی، از جنگ‌افروزی هرست در پایان قرن نوزدهم تا عملیات‌های اطلاعاتی پیچیده عصر دیجیتال، یک درس ثابت دارد و آن، اینکه جوامعی که شهروندان و نخبگان‌شان از سواد رسانه‌ای بالاتری برخوردارند، در برابر این‌گونه عملیات‌ها آسیب‌پذیری کمتری از خود نشان می‌دهند. در دنیایی که شایعه به سلاح بدل شده و هر روایت می‌تواند بخشی از یک معماری پیچیده قدرت باشد، تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که امنیت ملی به آن وابسته است و هر گونه هزینه و سرمایه‌گذاری در این حوزه به افزایش ثبات و تاب‌آوری جوامع در شرایط مواجبه با شایعات و جنگ‌های اطلاعاتی می‌انجامد.

تولید با ابزارهای غیر تورمی حمایت شود

ساحل عباسی

خبرنگار

«احسان قمری» گفت: «به جای تزریق نقدینگی به صورت مستقیم به بنگاه‌های اقتصادی که می‌تواند به افزایش تورم منجر شود، می‌توان موانع تولید را به سرعت حذف و بروکراسی‌ها را رفع کرد. راهکار دیگر برای حمایت از بنگاه‌های آسیب‌دیده اعطای تسهیلات بانکی با سود صفر درصد است تا تولیدکننده بتواند مواد اولیه مورد نیاز تولید را وارد کند.»

«احسان قمری» کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با «صبح صادق» در پاسخ به این پرسش که راهکار تأمین مالی غیر تورمی تولید، به‌خصوص در بخش‌های آسیب‌دیده از جنگ رمضان چیست، گفت: «یکی از مهم‌ترین راهکارهای حمایت‌دولت‌از بنگاه‌های آسیب‌دیده کوچک، متوسط و بزرگ، اعمال حمایت‌هایی بدون تحریک تورم و مساعدتی است که قیمت نهایی کالای تمام شده را افزایش ندهد.»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «حمایت از تولید آن هم بدون تحریک تورم موضوع مهمی است؛ چرا که کوچک‌ترین اشتباه در این حوزه، بسان حرکت کردن و راه رفتن روی لبه تیغ است، یعنی مجموعه‌ای از اقدامات با هدف حمایت از تولید می‌تواند در نهایت به ضد خود منجر شده و موجب افزایش تورم شود؛ از این رو باید به توصیه‌های بین‌المللی نهادهای اقتصادی و مالی جهان و استفاده از تجارب جهانی سازمان‌های اقتصادی و کشورهایی که در این حوزه موفق عمل کرده‌اند، توجه کنیم.»

احسان قمری معتقد است: «راهکارهای استفاده شده در کشورهای موفق نشان می‌دهد راه حل مساعدت به بنگاه‌ها در شرایط جنگی در ابزارهای مالی غیر تورمی نهفته است. سازمان‌های بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول معتقد است تورم ناشی از جنگ و بحران‌های اقتصادی از دو کانال ایجاد می‌شوند، یکی کانال اختلال ارزی و دیگری کاهش تولید و فشار تقاضا، چرا که هزینه‌های بازسازی نیز بر سایر هزینه‌ها افزوده می‌شود. بنابراین باید راهکاری برای کمک به بنگاه‌های آسیب‌دیده بدون تحریک تورم یافت.»

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی معتقد است:

«برخی از راهکارهای حمایت از بنگاه‌های آسیب‌دیده بدون تحریک تورم را در این گفت‌وگو بررسی خواهیم کرد که از آن جمله می‌توان به حمایت هدفمند اشاره کرد، حمایت هدفمندی که می‌تواند جایگزین پول پر قدرت شود.» وی در این باره مثالی زد و گفت: «به جای تزریق نقدینگی به صورت مستقیم به بنگاه‌ها که می‌تواند به افزایش تورم منجر شود، می‌توان موانع تولید را به سرعت حذف و بروکراسی‌ها را رفع کرد. راهکار دیگر برای حمایت از بنگاه‌های آسیب‌دیده اعطای تسهیلات بانکی با سود صفر درصد است تا تولیدکننده بتواند مواد اولیه مورد نیاز خود را وارد کند.»

قمری خاطر نشان کرد: «برخی کشورها چنین تجربه‌های موفقیت‌آمیزی داشته‌اند و وام‌های با بهره صفر درصد را برای حمایت از تولید به بنگاه‌های اقتصادی پرداخت کرده‌اند که نتیجه آن رشد تولید و افزایش عرضه بدون افزایش میزان تورم بوده است. اگر این موضوع نیز در ایران اعمال شود، می‌توان انتظار داشت بدون هزینه‌های اضافی چرخ تولید بچرخد.»

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی معتقد است: «دولت می‌تواند به جای حمایت‌های نقدی و ریالی با ارائه ضمانت‌های اعتباری از تولیدکننده حمایت کند، یعنی به جای تزریق نقدینگی ضمانت اعتباری برای بنگاه‌های تولیدی آسیب‌دیده یا نیازمند حمایت صادر کند. در این شکل دولت می‌تواند تضمین دهد که در صورت پرداخت نشدن وام از سوی بنگاه اقتصادی، دولت پرداخت آن را تضمین می‌کند، روندی که طبیعتاً منجر به کاهش ریسک بنگاه اقتصادی خواهد شد و تولیدکننده می‌تواند با آرامش خاطر به فعالیت تولیدی خود ادامه دهد.»

احسان قمری معتقد است: «اگر راهکارهای اشاره شده اجرا شود، به معنای این است که دولت مسیر اعطای وام بدون چاپ پول را ممکن کرده است. روش بازسازی زیرساخت‌ها بدون ایجاد تورم موضوع بسیار مهمی است؛ چرا که اگر بازسازی فیزیکی با پول پر قدرت انجام شود تورم بسیار شدیدی ایجاد می‌کند، لذا برای بازسازی زیرساخت‌ها بدون تورم، مشارکت بخش خصوصی در بازسازی نیز حائز اهمیت است.»

این کارشناس اقتصادی تأکید کرد: «بی‌تردید



ایجاد انگیزه در بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها بسیار مهم است، از این رو دولت باید زمینه‌های این کار را با اعطای مشوق‌هایی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بازسازی جاده‌ها و نیروگاه‌ها به جای فشار بر بودجه دولت در دستور کار قرار دهد.»

وی در ادامه بحث خاطر نشان کرد: «راهکار دیگر نیز این است که بنگاه‌هایی مثل بانک‌ها برای مشارکت در امر تولید تجهیزات و مواد اولیه را خریداری کنند، طبیعتاً از آنجا که تجهیزات خریداری شده بدون سود به بنگاه ارائه می‌شود، پول نقدی به اقتصاد تزریق نمی‌شود؛ لذا این روند مانع افزایش میزان تورم شده و به طور مستقیم به دارایی فیزیکی تبدیل می‌شود که غیر تورمی است و تولید را تضمین می‌کند.»

احسان قمری یادآور شد: «راهکار بعدی ارائه تضمین‌های هوشمند به جای پول دادن به بنگاه‌هاست؛ چرا که موجب کاهش هزینه‌ها می‌شود. بنابراین دولت می‌تواند با معافیت‌های مالیاتی و تعرفه‌ای و ایجاد معافیت در حقوق ورودی مواد اولیه وارداتی موجب کاهش هزینه تمام شده کالاها را تولیدی شود. کاهش هزینه‌هایی که در نهایت مانع از تورم ناشی از شوک‌های ارزی می‌شود.»

وی تأکید کرد: «دولت باید بدهی خود را سریعاً به پیمانکاران پرداخت کند؛ چرا که توسعه تولید نیازمند در دسترس بودن منابع مالی است. در این صورت است که پیمانکاران می‌توانند به صورت فعال در اقتصاد ایفای نقش کنند؛ البته طبیعتاً مطلوب این است که این پرداخت‌ها بدون خلق پایه پولی باشد؛ از این رو برای حل این چالش‌ها

که بسیار هم مهم هستند، باید به تحقیقات سازمان‌های بین‌المللی توجه کنیم تا بدانیم کدام مؤلفه‌ها موجب افزایش تورم می‌شوند؛ چرا که تجربه‌های موفق از این موضوعات در سطح دنیا وجود دارد که باید از نکات مثبت آنها استفاده کنیم.»

وی در خصوص برخی فعالیت‌ها که اثرات عکس‌رئی روی کاهش میزان تورم دارد، گفت: «برخی فعالیت‌های کشورها در کاهش میزان تورم نتیجه عکس می‌دهد و موجب تورم می‌شود. برای نمونه، دیده شده برخی از کشورها تسهیلات بانکی بدون پشتوانه را می‌بخشند و بدون اینکه از محل بودجه جبران شود بدهی را حذف می‌کنند. اگر تسهیلات خرید در مقیاس بزرگ پرداخت شود و به بانک مرکزی برای پرداخت حقوق کارگران یا کارکنان دولت اجازه چاپ پول داده شود، این بحران در کوتاه‌مدت حل می‌شود؛ اما در بلندمدت تورم افسارگسیخته‌ای در اقتصاد ایجاد خواهد شد که مصرف‌کننده را بیش از پیش تحت فشار قرار می‌دهد.»

احسان قمری در پایان این گفت‌وگو تأکید کرد: «حمایت باید منحصر به بنگاه‌های مولد باشد؛ یعنی بنگاه‌های مولد و زنجیره‌های تأمین باید مورد حمایت مستقیم دولت قرار گیرند تا فشار تقاضا بر کالاها غیر ضروری افزایش نیابد. در این صورت است که می‌توان انتظار داشت ضمن به چرخش درآمدن چرخ‌های تولید، تورم فزاینده نشده و قیمت نهایی کالاها بالا نرود. در واقع در این صورت هم بنگاه‌های اقتصادی مورد حمایت قابل توجه دولت قرار گرفته‌اند و هم دولت توانسته است با افزایش تورم مقابله کند.»

یادداشت

بازسازی شگفت‌انگیز

رحمان سعادت

اقتصاددان

در اوایل جنگ «رمضان»، یکی از موضوعاتی که عموماً شبکه‌های فارسی‌زبان معاند مطرح می‌کردند، نگران کردن مردم نسبت به کمبود مواد غذایی، قطع آب و برق و گاز و ناتوانی دولت از ارائه خدمات به مردم با توجه به تهدیدهای مکرر رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر حمله به زیرساخت‌های ایران بود؛ در حالی که مردم ایران در طول مدت این جنگ به عینه شاهد ارائه خدماتی بودند که به صورت ۲۴ ساعته حتی در دل خطرناک‌ترین و هولناک‌ترین لحظات جنگ نیز انجام می‌گرفت و تداوم داشت.

بی‌تردید، دولت در پشتیبانی از نیازهای مردم در دوران جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه عملکرد قابل قبولی داشته است. آنچه در این موضوع حائز اهمیت است، یکدستی و یکپارچگی مردم، دولت و حاکمیت در زمان جنگ در مواجهه با دشمنی است که برای نابودی تمدن ایرانی قسم خورده و آن را با صدای بلند در منظر افکار عمومی مردم جهان فریاد زد؛ چرا که زخم خورده تمدن ایرانی است و از گستردگی و بزرگی این تمدن به شدت هراسان است.

مردم ایران و دولتمردان در این ایام به خوبی نشان دادند که ملت و دولت و حاکمیتی یکدست و یکپارچه هستند، حاکمیتی که اجازه نمی‌دهد خللی بر روند تأمین معاش مردم وارد شود و در جنگی که از نواحی مختلف کل حاکمیت و نظام سیاسی و دفاعی کشور را درگیر کرده بود، خدمات حمایتی از معاش مردم و در مان و سایر حوزه‌ها را به حال خود رها نکرد. تداوم اعطای کالا برگ در زمان‌های اعلام شده و وفور کالاها در فروشگاه‌های سراسر کشور، به ویژه در فروشگاه‌های شهری که هر روز آماج حملات ناجوانمردانه دشمن بود، نشان داد همه حاکمیت و دستگاه‌های دولتی در کار خود حضور دارند و هیچ کس از کار و مسئولیت خود شانه خالی نکرده یا مردم را به حال خود رها نکرده است.

در واقع این امیدواری در مردم ایران وجود دارد که دولت و حاکمیت مدافع آنهاست و اجازه نمی‌دهد دشمن از خلا‌های که جنگ می‌آفریند و اجتناب‌ناپذیر است، برای تحمیل فشارهای مضاعف به مردم ایران سوءاستفاده کند؛ لذا باید در کنار هم بمانیم و با اتخاذ راهکارهای درست و کار فرهنگی و حمایت اقتصادی و معیشتی از اقشار ضعیف و نیروی کاری که متأسفانه بعضاً تعدیل شده‌اند، اجازه ندهیم دشمن این بار در پشت صحنه جنگ پیروز میدان باشد، بلکه باید دشمن را از این حوزه نیز ناامید و سرخورده کنیم تا دنیا شاهد وحدت و اتفاق نظر مردم ایران در برخورد همه‌جانبه با متجاوزان باشد.

افزوده

نفرین منابع

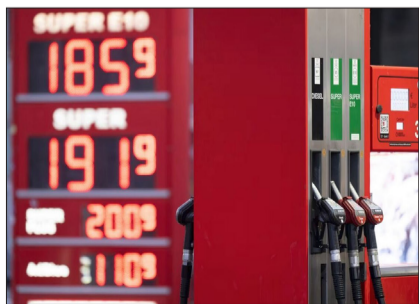
گاهی داشتن ذخایر عظیم نفت، گاز یا الماس، به جای شکوفایی، اقتصاد یک کشور را به بند می‌کشد. در ادبیات اقتصادی به این پدیده «نفرین منابع» (Resource Curse) یا «بیماری هلندی» می‌گویند. این اصطلاح زمانی رخ می‌دهد که تکیه بیش از حد بر درآمد سهل‌الوصول یک منبع طبیعی، ارزش پول ملی را به طور کاذب بالا می‌برد و در نتیجه به تضعیف و رکود سایر بخش‌های تولیدی و صادراتی غیرنفتی دیگر می‌انجامد؛ به گونه‌ای که بخش‌های صنعتی توان رقابت را از دست می‌دهند و اقتصاد کشور به یک منبع نوسان‌پذیر، معتاد و آسیب‌پذیر تبدیل می‌شود.



شاخص

فاکتور ۴۵ میلیارد دلاری

شوک نفتی ناشی از جنگ آمریکا با ایران، ترکش‌های مالی سنگینی را به بدنه اقتصاد آمریکا وارد کرده است. گزارش «وال استریت ژورنال» نشان می‌دهد، شهر وندان آمریکایی به دلیل جهش قیمت بنزین و گازوئیل، ۴۵ میلیارد دلار بیش از سال گذشته هزینه کرده‌اند؛ بار سنگینی که عمدتاً بر دوش طبقه کم‌درآمد و متوسط سنگینی می‌کند. در همین حال، آژانس بین‌المللی انرژی با اشاره به بحران عرضه در تنگه هرمز، پیش‌بینی خود از کاهش تقاضای جهانی نفت را به ۴۲۰ هزار بشکه در روز جهش داده و هشدار داده است که عبور از این بحران ماه‌ها زمان خواهد برد.



منهای نفت

متانول ایرانی

صنعت پتروشیمی ایران با صادرات سالانه ۱۰ تا ۱۱ میلیون تن متانول، دومین صادرکننده بزرگ غرب آسیا به شمار می‌آید. این ماده حیاتی که نقشی کلیدی در تولید حلال‌ها، رنگ‌ها و سوخت‌های پاک دارد، پیوند عمیقی با بازارهای جهانی ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که بیش از ۸۵ درصد متانول تولیدی کشور به ارزش سالانه ۱/۵ تا ۲/۲ میلیارد دلار صادر می‌شود. در این میان، چین با جذب بیش از ۸۰ درصد این حجم، شریک استراتژیک و مقصد اصلی متانول ایران است؛ جایگاه ایران در صادرات این محصول به گونه‌ای است که کشورهای هند و ترکیه در رتبه‌های بعدی تجارت این ارزآور پتروشیمی قرار دارند.



صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: بدالله جوانی

سردبیر: علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

سیامک باقری، سعدالله زارعی، عزیز غضنفری، مهدی سعیدی، فتح الله پریشان، علی قاسمی، حسین عبداللہی، رضا صامی راد دبیر تحریریه: سید فخرالدین موسوی نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی صفحه آرا: علی اکبر هدایتی عکاس: حامد کوردزی ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن: ۰۲۱)۷۷۴۶۰۱۰۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰

basirat.ir

@sobhesadegh_fa

نمابر: ۷۷۴۸۸۲۴۶

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۳۳۷ | دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵

کتابخانه

پیشمرگان وطن

در قرعه قسمت نصیبش غم نخواهد شد در دش به جانم چهره اش در هم نخواهد شد ایران مرید مذهب عشق است در اینجا چیزی به جز عشق و جنون توأم نخواهد شد هر دم وطن پشش به ذکر «یاعلی» گرم است بی ذکر «یا حیدر» قدم محکم نخواهد شد ایران سرش بالاست بس بالا و بالاتر هرگز سرش در پای شیطان خم نخواهد شد آری وطن زخمی است؛ اما بر همین زخمش جز اشک های روضه ها مرهم نخواهد شد این اشک ها را دم به دم کوثر خریدار است در این هوای بس غبار آلود و دود آگین اهل بصیرت را که حق مبهم نخواهد شد با یک تعامل خوب و بد گردد یکی؟ هرگز! با اهل باطل اهل حق مُدغم نخواهد شد ما اهل کوفه نیستیم و با ولی هستیم یک تار مو هم از سر او کم نخواهد شد ما پیشمرگان وطن یار ولی هستیم ما را کفن چیزی به جز پرچم نخواهد شد دنبال صفر هسته ای هستند دژ خیمان هست این خیال خامشان، آن هم نخواهد شد چون گرگ درنده است آخر توبه اش مرگ است شیطان کبر لحظه ای آدم نخواهد شد آری دم از «هیئات من الذله» باید زد ایران سرش در پیش شیطان خم نخواهد شد خاکی که با خون شهیدانش مُعطر گشت هان یک وجب هم سهم نامحرم نخواهد شد این بیت هم در سر هوای منتقم دارد خونخواه مظلومان به جز «قائم» نخواهد شد

ناصر دوستی

وطن ای...

وطن ای پیکر رنجور به خون غلتیده! خفته بر بستر اندوه و ستم ها دیده سوخته آتش بیداد، تبت رای گل قامتت را که به خاکستر غم پیچیده؟ در هوایی که ز اجبار زمان مسموم است دیده ات جبر زمان را به تو اتر دیده مادر صبر! تو خاموش نشستی، چه غریب غم پنهان تو چون آه به دل تابیده با همه زخم، هنوزت نفسی باقی هست شکر ایزد که صبورت به دل بخشیده روزی از خاک تو روید گل شادی با مهر گرچه امروز امید از نفست روئیده دشمنت خوار و زبون باد و دلش بی شادی ریشه اش باد ز توفان زمان خشکیده آن که با توست به مهر، عاقبتش روشن باد وان که آزار تو را داد، سرش بی تن باد

محمد مهدی ناصری

صبحانه

توکل

توکل یعنی ثابت قدم و استوار باشید... حتی زمانی که رفتن سخت می شود، به راهتان ادامه دهید... توکل یعنی اجازه بدهی خداوند خودش تصمیم بهتری برای تو بگیرد و به آنچه خدا خواسته، راضی باشی. تو فقط دعا کن و پیشاپیش شاد باش و ایمان داشته باش؛ چون خداوند به اندازه امید و اطمینان و تلاش توست که می بخشد.

روایت حقیقت

نتایج دومین جشنواره هادیان جهادگر فضای مجازی (روایت حقیقت ۲)

در راستای پویایی و تقدیر از فعالیت اعضای شبکه هادیان جهادگر فضای مجازی و به منظور استعدادیابی و شناسایی ظرفیت ها و توانمندی های پاوران به منظور همرا سازی و انگیزه بخشی برای افزایش تولیدات تبیینی در فضای مجازی و اشباع محتوای غنی مبتنی بر جهاد تبیین و انتشار مناسب محتوای اثر بخش و بصیرت افزا، دومین جشنواره روایت حقیقت با شعار «نبرد ۱۲ روزه، حماسه مقاومت، ایران فاتح» در شش ماهه دوم سال ۱۴۰۴ برگزار شد.

برگزاری سلسله جلسات مختلف برای برنامه ریزی و طراحی کیفی و فنی چگونگی برگزاری این جشنواره و همچنین تهیه و آماده سازی مقدمات برگزاری اعم از (پوستر جشنواره، تیزر معرفی جشنواره، راه اندازی پویش های همراه جشنواره، طراحی صفحه اختصاصی جشنواره در سایت بصیرت، تهیه فراخوان جشنواره، ریزنی بارسانه های همسو در راستای تبلیغ و انتشار گسترده فراخوان جشنواره، طراحی شکلی، چارت و سازمان برگزاری جشنواره و...) در سه ماهه دوم سال انجام شد و سرانجام فراخوان جشنواره پس از رونمایی پوستر آن در حاشیه نشست قرارگاه جهاد تبیین با حضور جانشین نماینده ولی فقیه و اعضای قرارگاه به صورت رسمی از طریق سایت بصیرت در روز اول آذر ماه منتشر شد.

همزمان تبلیغات گسترده در رسانه های داخلی از جمله نشریه بصیرت، طراحی شکلی، چارت و سازمان برگزاری جشنواره و... در سه ماهه دوم سال انجام شد و سرانجام فراخوان جشنواره پس از رونمایی پوستر آن در حاشیه نشست قرارگاه جهاد تبیین با حضور جانشین نماینده ولی فقیه و اعضای قرارگاه به صورت رسمی از طریق سایت بصیرت در روز اول آذر ماه منتشر شد.

همزمان تبلیغات گسترده در رسانه های داخلی از جمله نشریه بصیرت، طراحی شکلی، چارت و سازمان برگزاری جشنواره و... در سه ماهه دوم سال انجام شد و سرانجام فراخوان جشنواره پس از رونمایی پوستر آن در حاشیه نشست قرارگاه جهاد تبیین با حضور جانشین نماینده ولی فقیه و اعضای قرارگاه به صورت رسمی از طریق سایت بصیرت در روز اول آذر ماه منتشر شد.

و نهایتاً تولید محتوای تبیینی با استفاده از مدل های مختلف هوش مصنوعی) مجموعاً ۵۸۴ اثر از میان ۲۳۶ شرکت کننده دریافت کرد.

در این دوره از جشنواره به صورت ابتکاری یک پویش با عنوان «من حقیقت را روایت می کنم» و سه بخش با عناوین جایزه ویژه بخش نگاه نو (آثاری که از دریچه ای جدید و نگاهی نو در حوزه تبیین گری تولید و منتشر شده بودند)، جایزه ویژه بخش شهید کیومرث کوثری مقدم (آثاری که به صورت ویژه در رابطه با شهدای جنگ ۱۲ روزه بودند) و جایزه ویژه بخش شهید کمالی (آثاری که توسط جوان ترین هادیان سیاسی یا به اصطلاح دانشجو پاسدارها تولید و منتشر شده بودند)، در کنار جشنواره برنامه ریزی و اجرا شد.

میزان استقبال از محور های مختلف جشنواره به ترتیب:

۱) روایت دفاع مقدس ۱۲ روزه با ۲۴۵ اثر (۴۲ درصد)
۲) منطقه و بین الملل (۲۲ درصد)
۳) سیاست داخلی (۱۶ درصد)
۴) فرهنگ و رسانه (۱۶ درصد)
۵) مسائل اقتصادی با مجموع ۲۰ اثر (۳ درصد)

میزان استقبال از قالب های مختلف جشنواره به ترتیب:

۱) یادداشت نویسی با ۲۳۰ اثر
۲) آثار تولید شده با هوش مصنوعی

۹۹ اثر
۳) طراحی عکس نوشت ۷۶ اثر
۴) ساخت کلیپ و پادکست مجموعاً ۹۸ اثر
۵) سناریو نویسی و طراحی موشن و انیمیشن مجموعاً ۲۴ اثر
۶) بلاگری سیاسی و مدیریت کانال و صفحه تبیینی مجموعاً ۵۹ اثر

آثار دریافت شده در ابتدا یکبار توسط دبیرخانه جشنواره مورد ارزیابی و پایش اولیه قرار گرفت و به فراخور در صفحه اختصاصی جشنواره در سایت بصیرت در بخش نمونه آثار دریافت شده شروع به بارگزاری محتوای تبیینی شد. مجموعاً ۱۵۸ اثر در این صفحه با نام خود افراد شرکت کننده و به همراه شناسنامه اثر منتشر شد.

قالب ها	سیاست داخلی	منطقه و بین الملل	مسائل اقتصادی	فرهنگ و رسانه	روایت جنگ ۱۲ روزه
یادداشت	تقی احمدی	محمد میری	علی محمدی	.	طاهر تو نچیان
یادداشت - شایسته تقدیر	مجتبی محجوب	عباس قلی پور	پوریا سرداریان	.	سید حسن رستم پور
سناریو	فانز جلیل طهماسب	.	.	.	مهدی صادقی
عکس نوشت	حسین فلاح	علی رصافی	محمد هادی حیدریان	حسن محمد میرزائی	.
پادکست	سید عبدالرضا هاشمی	.	محمد حسین دادخواه	رضا خاتمی	طالب دهقان مشتانی
کلیپ	سجاد یاقوتی	میثم محمدی	.	مهدی محمد باقری	رضا بابایی
موشن و انیمیشن	.	امیر حسین قنبری صامت	.	.	علی رنجبر
بلاگری سیاسی	سعید میرزائی	محمد اکبرزاده	.	حسین فلاح	رضا بابایی
بهترین کانال تبیینی	محسن انتظار	مصطفی علیچان زاده	.	واحد صلاحلو	محمد صادق سلطان زاده
آثار تولیدی با AI	.	مقداد کمندی	.	.	مصطفی نکیسا

برگزیده جایزه ویژه

بخش نگاه نو: (آثاری که ایده جدید یا نو در حوزه تبیین گری در فضای مجازی داشتند)

ابوالفضل گل اثر / مسعود حسنی / صادق زارع مهدیه

بخش شهید کوثری مقدم: (آثاری که در بخش ویژه روایت جنگ ۱۲ روزه حائز رتبه شدند)

سید حسن رستم پور / ازهرام منصوری / سهیلا سپهری / مهدی روزبهانی

بخش شهید کمالی: (آثار منتخبی که توسط جوان ترین هادیان سیاسی و به اصطلاح دانشجو پاسدارها به جشنواره ارسال شده اند)

ابوالفضل غفاری / حسین آقاجانی مرساء

پویش من حقیقت را روایت می کنم: (آثار منتخب پویش روایت گری حقیقت)

حامد نوری / یوسف مرادی

صادقانه

اثرات یاری به یکدیگر

پیامبر خدا (ص) فرمودند: «تا زمانی که مردم امر به معروف و نهی از منکر کنند و در کارهای نیک و تقوا به یاری یکدیگر بشتابند، در خیر و سعادت خواهند بود، اما اگر چنین نکنند، برکت ها از آنان گرفته شود و گروه دیگر سلطه پیدا کنند. نه در زمین یآوری دارند و نه در آسمان.» (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۳)

غیر رسمی

باشاهنامه مأنوسم

من با شاهنامه مأنوسم. حکمت شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، حکمت اوستایی نیست؛ حکمت قرآنی است. اگر کسی به شاهنامه دقت کند، خواهد دید فردوسی ایران را سروده، اما با دید یک مسلمان؛ آن هم یک مسلمان شیعه. بیان زندگی قهرمان ها و پهلوان ها و شخصیت های مثبت مثل رستم و اسفندیار در شاهنامه، در اندیشه های اسلامی ریشه و ظهور و بروز دارد. عکس آن، شخصیت های منفی، مانند تورانی ها یا بعضی از سلاطین، مثل کیکاووس شخصیت هایی هستند که در تفکر اسلامی به وضوح کوبیده شده اند؛ اما تفکر اوستایی چیست و چیزی که می تواند حکمت اوستایی را به ما نشان دهد، کجاست؟ زمان فردوسی هم بیش از الآن نبوده. این طور نیست که ما خیال کنیم زمان فردوسی تفکر اوستایی آشکارتر بوده؛ خیر، آن وقت هم بیش از آنچه الان ما در اختیار داریم، نبوده است؛ لذا حکمت قرآنی، همان حکمت ملی بومی و ایرانی ماست.

بیانات در بازدید از نمایشگاه مینیاتورو نگارگری، در حسینیه امام خمینی ۱۳۷۲/۰۶/۱۰

حسن ختام

السلام علیک

یا وعدالله الذی ضمنه!

سلام بر تو ای وعده شیرین خداوند در روی زمین! ای آن که با شنیدن نام بلندت، دل مان روشن می شود و در خیال رنج دیده مان، هر بار که بودن شما را یاد می کنیم، غرق سرور می شود قلب های زنگار فراق گرفته مان.... واژه کم می آورد و اندازهای برایش پیدا نمی کنیم، ولی ما از اعماق جان مان روزهایی را که در بهشت حضورتان می شود زندگی کرد را، آرزو مندیم.

این روزهایی که نفسهای مان تندر از همیشه می زند و قلب های مان شکسته تر از پیش است، در کف خیابان ها و کوچه هایی که به نام شهدا معطر شده، دعای فرج تان را به اشک های سوزان مان می سپاریم و روانه آسمان می کنیم. ما دلشکسته ترینیم؛ اما با همان یک چشم خون و یک چشم اشک و با همان قلب سرشار خشم از دشمن زبون، قوی تر از همیشه برای پامال نشدن همه خون های پاک که به ناحق ریخته شد، ایستاده ایم...

یابن الحسن! وجود مقدس حاضر اما غایب تان، نیرو و توان ماست برای رسیدن؛ و قوت زانوان مان برای فتح قله پیروزی و ظفر.

دوستان تان اینگونه اند؛ زخمی اما پر توان، در دستی پرچم مزین به نام بلند و زیبای شما و در دستی دیگر پرچمی با سه رنگ چشم نواز تاروی که به یاری حق پیروزی و عزت و آزادی را زیر سایه صورتان رقم بزنند و حتما آن روزها دور نیست، به امید آنکه نصرت را به ایمان آورندگان بشارت داده است....